

مجله

۳

نشریه  
مجاهدین خلق ایران

“ جنگل شماره ۲ ”

مرداد ماه ۱۳۵۲

شم سرست

صفحه

شماره

شم سرست

۱

پیام باد رمباد، دستوان امیرحسین

۹

احمد یان به نیروهای مسلح رژیم

۲۶

انبار ریزش‌هاست مرصاد به عملیات مسلحانه

۴۰

انبار ریزش‌هاست کارگری

۵۳

انبار ریزش‌هاست روستائی

۶۰

بیاد سجاد شهید علی ولی پور

۶۶

بیاد سجاد شهید علی ولی پور

۶۸

انبار ریزش‌هاست دانشجوئی

۷۵

انبار ریزش‌هاست روحانیست

۷۸

انبار ریزش‌هاست رژیم

برنامه - سیاسی مرحله ای "جهش"

۸۸

تلقی به خرابی آزادی همسان



### جنبش مسلحانه و مردم

( سخنی کوتاه از یکتا تجربه )

دستگیرهای شهرور ۵۰ وادهای بعد از آن بواقع ضربه سنگینی بود که تحیل آن لجان شریعی برای سازمان ما بسیار طاقت نرساود شوار بود . اکثر عناصر سازمان تحت شدیدترین پیگرد ۱۸ ای پلیسی قرار گرفتند ، پیگردی که تا آن زمان ، سازمان علیرم کارمانتر چند ساله قدرت مطلقه با آنرا نداشت ، چراکه نیروهای پلیسی واضیتی رژیم با توجه به عطیسات چریکهای فدائی و پرکزاری بخشهای د و هزاره ناند ساله از من جهت بیخ شده بودند ، تا سرگشته نمالیتی راکتف و شش ما زند رژیم توانست پس از اتمام جشنهای د و هزاره ناند ساله که بدون هیچ خطری برگزار شد با اطمینان فراران بگوید که " بودند کسانی که فکریاتی در ذهنشان می پروراندند ولی شکی تمام شدند " .

برادران ما ، علیرم اینکه ممکن بود قدرت خود شک کنند که میتوانند این راه را ادامه دهند ، ولی کلا براین عقیده مشتق بودند که خط شی امروز سازمان منی بر مبارزه مسلحانه رژیم بر علیه رژیم تنها خط شی ای است که به طور مرحله ای میتوان روی آن تکیه نمود . لذا نیروهای موجود سعی نمودند تا آنجا که شد و راست خود را در حول این محور جمع نمودند . سازمان دهند .

شکست شهر به صورت تجربیات فراوانی برای ما بجا گذاشت • افسراد  
حصصی که توانسته بودند از جنگال رژیم در امان باشند ، بطور وحشی و  
خفنی کوشیدند تا رسالت دشوار مبارزه راه تا آنروز هم تا بردش برادران  
و تدائیس مائزاد است بجهت بگمروند و این کاری بر طاقات فرسا و کمر شکن  
بود که جز از همد ، افراد موء من و هم ساختن نبود •

مردم مانه بار شکستهای تاریخی را در مقابل دشمن بدوش میکشیدند  
و اسارتی از آن ، تحرکشان را گرفته بود ، با اولین اقدامات پیشگامان  
سلخ در مساعکل و در شهر ، بارقه عمای امیدی در دلشان درخشیدن  
گرفت ، ولی باد سنگینهای بسیار وسیع رژیم و قدرت نمائیهای او ، مسی  
رفتد که بارد بگرد رشت برده ، با سر و برای مدتهای مدید دیگری بیخ بزنند •  
دشمن بعد از این ، تجربه عمل مسلمانان ، شهر کوکوه راهم بدست آورد ، بود  
بدون اینکه هسته ای در شهر کوکوه با گرفته باشند ، متقابلا تجربیاتی در  
مقابله با دشمن داشته باشد • بودند کسانی که با افراد سازمانهای پیشتاز  
به صورت قربانیان غفلوکی نگاه میکردند که عنقریب راهی مسلخ میشوند و زندیک  
شدن با آنها خنلرناک است • این مساله رشد سازمانهای پیشتاز و استقبال  
مردم از مبارزه را بخیلر حدی انداخته بود •

اماد ردل همین تهرگی پرتوهای امید بنشر نیز برشم میخورند • کنگاه  
عملیاتی مسلحانه ، بر چند کوچک و مناوشتهایی حماسه انگیز رخ میداد •  
برادر و مجاهد رشادتی در یک طن دتقیق ، انقلابی و زیرکانه از جنگال

رژیم کهنه‌ت و پادشاهی پراز تجارب و سازمان رایان‌های گرانقدر داد .  
 فعالیتها ، خواهران و مادران «بناشد مابرح تازه ای به جامعه» در سوره  
 نیز زمان نهمه داد ، روشنگریها کرد و بعد جدیدی بمبارزات خلق ما بخشید  
 اما تردید نسبت به قدرت طاقت خلق و تردید نسبت پاینده جنبش در  
 بسیاری کسان وجود داشت و رژیم هنوز آیه «ای پسر میخواند»  
 در چنین شرایطی رژیم پادشاهی نیکسون میخواست نشان داد که آرا<sup>ش</sup>  
 کورستان را تکمیل کرده و در آینده نیز آنرا بموشهایی از درخت جنبش مسر  
 بزند پسادگر، تا بل تلخ شدن و از میان رفتن استند . رژیم شاه با اقدام  
 « برادر میباید» قبل از ورود نیکسون بایران میخواست نشان دهد که  
 همیشه «ای مخالف را نبود کرد» و «راضی» کاملا مسلط است و ایران هم  
 بهشان بمنوان چهره ثبات میتواند مرکز فعالیت ای عظیم اقتصادی بنفع  
 امپریالیه تنها باشد .

نظری ما بخوبی شاهد بود که همزمان با ورود نیکسون و در هنگام اقامت  
 او در اوائل خرداد ماه سال ۵۱ در تهران ، «طی رژیم جوخه‌خقان و فعالیت  
 شدید مامورین ساواک و شهربانی و ماموران جاسوسی آمریکا» همرو چندی  
 بسبب پرتودرت و اقدام ژنرال پراچر بامریکایی ، پشت امپریالیستها و سگ  
 زنجیریشان شاه را لرزاند و دانشجویان تهران ، «بالهام از پیشگامان  
 مسلح خلق» بایرتاب سنگ باتومپول، نیکسون و همراهانش ششم ملت ما  
 را نسبت به امپریالیسم امریکانشان دادند .

----- جنگل ----- صفحه ۱

نتایج برای همه واضح است . رژیم در تبلیغاتش تا حد کورچکوسین  
شهر پروستا شکیست خورد و امید های مردم زنده گشت و اولین صفوف آماده  
مردم بتدریج حمایت خود را در اختیار جنبش میگذاشتند .

عملیات بعدی سازمان نظیر اندام سرزنده طامری و ... حمایت  
توده ای وسیعتری را برای ما پارساان آورد . رژیم این امید را داشت که  
عاملین درجه اول را بدام انداخته و اعلام کند " چند تن بودند .....  
آنهارا گرفتیم " ولی سازمان دیگر در سمای شهر پروستا ، همای بعد از آن  
راه خوبی فرا گرفته بود . حوادث بما آموزش داد که بایستی برای جذب  
حامله در راههای گذشته ( پس از زح رو ) ، مدتها کار سخت درون  
تشکیلاتی انجام دهیم تا بتوانیم نتایج پیروزیه را حفظ کنیم و سازمان پس  
کسب این تجربیات و جذب رانگانیم خود ، آمادگی لازم را برای استیلا  
از وظائف آینده فراهم آورد .

فرار برادر رجاء عدتی شم رام به همراه محرم بعد پد ما برادر رجاء است  
ستوان امیر حسین احمدیان از زندان ساری ، هاشان دهنده و رشد جنبش  
و شوق آن بداخل کارهای دشمن از یکطرف و برپه پذیری او از طرف دیگر  
بود . شکافی که در بین پوشالی قدرت رژیم ایجاد شده بود ، باز تنویر  
میهد . رژیم علیرغم بسیج نیروهای وسیعی جهت دستیابی باین دوره زنده  
انتسابی تاکنون نتوانسته است حتی رد پائی از آنها را بدست بیاورد .  
پد پده عمده دیگری که در تاریخ جنبش مهین مایی سابقه است .

مبارزه است که برادران ما و سایر انقلابیون اسیر و علیرغم شرایط دشوار زندانبانان دست زده اند. مقاومت شجاعانه آنها در برابر شکنجه ها، طاقت فرسای، آزارآمیزی و دافعیات پرشور و شگرتیشان در پیدادگاههای رژیم، آموزش سیاسی و خودساز، و بالاخره اعتصابات منور آنها در برابر شرایط دشوار زندان، در مجموع تأثیرات بسیار مثبتی بر روی مردم مبین مآذ اذیت و موجب اعتماد و اطمینان بیشتر مردم نسبت به مسأله جنبش و پیکارمان مسلح آن گردید.

در خرداد، اخیر، سازمان بااثر<sup>۱</sup> با انسجام درون تشکلاتی و با پشتیبانی گروههای، کمیته از قشرهای مختلف مردم، بیشتر از هر موقع دیگر در برابر روشهای "گپته" که شامل پانته تین شکل سرکوب پلیسی بر اساس تجارت امر بالمستی است، دفاع و نبره ناپذیر گردید و جز در موارد خاص<sup>۲</sup> دشمن قادر به ضربه زدن اساسی به ما نشد. است. علیرغم اینکه دل ما از تلفاتی که اینجا و آنجا داده ام عمیقاً درد آمده است ولی دیگر جارب کردن سازمانهای مسلح فقط امید سرکوب شده ای در اندیشه شاه خائن است.

سازمان ما که خود راه رژیم تحمیل کرده بود میتواندست مطابق مصالح جنبش، دست به تبلیغ سیاسی بزند. مصالح جنبش اقتضا میکند که سازمان با مبارزات صنفی قشرهای مختلف مردم بیشتر آشناسد و آنها را بتدریج در جهت مبارزه اصلی علیه رژیم رهبری نماید. از نایبی

مبارزات قشرهای مختلف مردم کار دراز مدت و وظائف تفریحی ما را مشخص میزند. لذا سازمان در رابطه با اختصایات دانشگاه صنعتی دست به عمل زد و سپاهی خدایاب به تمام دانشجویان صادر کرد که حاوی تحلیل جنبش دانشجویی و مهم ترین وظائف آن در صرصه کوشی مبارزه است. این پیام با استقبالی کم نظیر از طرف دانشجویان روبرو شد و هم وحشت زد و برای جمع آوری نسخه های متعدد ی که میان دانشجویان توزیع شده بود دست با اقدامات حادی زد.

در چهارم خرداد و همزمان با دومین سالگرد شهادت پنج نفر از برادران سازمان بدنیال یک سلسله عملیات انفجاری در مراکز اقتصاد امریکائی - اسرائیلی و سرمایه داران داخلی و بیامی به مادران و خواهران وابستگان شهدا و زندانیان سیاسی و افراد مبارز فرستاد. همراه اینان از ابتدای جنبش تا بحال نقش بسیار موثری در افشاگری دشمن و بالا بردن دید سیاسی مردم و معرفی جنبش به مردم داشته اند و این تصادفی نبود که بدنیال پیام سازمان و تعیین اصلترین وظایف این قشر و پس از چند هفته، مادران و خواهران زندانیان سیاسی و وابستگان به جنبش در بازار تهران و هم دست پتلا اشراکات و سپهری زدند و شمار آنها "الله اکبر" و "درود بر جبهه مدین" بود.

طی سالهای گذشته و در رابطه با عملیات مسلحانه جنبش کارگری در ایران روز بروز از پیشتری گرفت بطوریکه تا شون شاهد در عملیات کارگری از طرف کارگران مبارز بوده ایم. از جمله آنها، اختصایات کارگر

کارخانجات لند رووایرانا بود . درست در هنگامیکه این اختصایات به نقطه اوج خود رسیده و کارگران با شغف و اشتیاق خود انقلابی زخم رووشده بودند سازمان هجادمین به حمایت از آنها بپندین عمل انقلابی انجام داد . نباید لامل بسیار روشنی به دوریک اعلامیه که باخط بسیار درشت و متنی ساده که برای عموم کارگران قابل درک باشد اکتفا نمود که در سطح وسیعی به تصویب در میان کارگران توزیع گردد .

ما از تمامی گروهها و سازمانهایی که عمدتاً خود را در پیله بحثهای شوریک محدود کرده اند دعوت میکنم که به تصمیماتی که طی سالهای گذشته در زمینه های مختلف در میهن انجام گرفته توجه بیشتری بنویسند . رشد سازمان هجادمین خلق و نیروهای فدائی خلق علمبرومند بدترین پیگرد شاورسکوهای پلیسی نشان دهند . به سالهاست و آیا جزد را ارتباط با مردم و حمایت بیدریخ آنها جنبش میتوانست طی سالهای گذشته خود را فعال کرده و برشد خود ا ادامه دهد ؟ رشد گروههای انقلابی کوچک و بزرگ چه در تهران و چه در شهرستانها و اوج گیری مبارزات در کلیه ولایات خصوصاً در میان کارگران نشان دهند . چه چیز است ؟ آیا جز این است که در کتابها و امل زهرناشی «مبارزه» مسلحانه پیشاتزقیش مهمی در اوج گیری مبارزات خلق ایفا کرده است ؟

فداکاری افراد و گروههایی که علمبروم زندان و شکنجه و تبعید و اعدام دست با قدامات و ملیتات انقلابی میزنند و جزوات و نشریات سازمانهای

..... جنگل ..... صفحه ۸

انقلابی را تکثیر و توزیع میکند و در بدین حال ارتباط با انقلابیون همستند  
و حاضرند همه چیز حتی جان خود را در راه بگذرانند نشاندهنده  
چه مطلبی است ؟

این جریانها حتی از شهرهایی که <sup>۱</sup>سپس کج هم نشده اند  
گزارش شده است .

آیا هیچ خط مشی ای میتوانست در این مدت کوتاه این چنین مردم  
را سیاسی کند و پیشگامان طبقات و تشویشهای مختلف مردمی را بهما روزه  
بکشد ؟

مطالب این نشریه بخودشان دهنده گوشه ای از روش جنبش  
سیاسی شدن مردم و در همین حال گویای میزان تماسی است که  
سازمانهای رزنده با طبقات مختلف مردمی دارند .

فدایت نمیزد مردم است

مجاهدین خلقی ایران

مرداد ماه ۵۲

پانزدهم اردیبهشت ماه ۵۲ فصل نوبنی در تاریخ جنبش انقلابی ایران گشوده شد. انقلاب سلطانه خلق ایران توانست آشکارا در روز باصلاح مستحکم دشمن تزلزل ایجاد کند. توانست تاثیر عظیمی و عمیق خود را در صفوف دشمن پائیات برساند. توانست پرتو و جاذبه انقلابی خود را از حصارهای تودرتوی رژیم پلیسی شاه عبور دهد و اثر انقلاب افسران شرانتندی که هنوز وجدان خویش را پاک نکند اشته اند برساند بدین ترتیب، افسری که رژیم شاه نتوانسته بود وجدان او را ببرد، افسری که به طبقه خود پشت نکرده بود، افسری که دشمن تاله های مظلومان و کمرنگان را می شنید، افسری که حاضر نبود در دست نوکران آمریکا و انگلیس و اسرائیل بعنوان چماق سرکوب خلق باشد، افسری که رسالت خود را اطاعت کورکورانه نمیدانست، آری ستوان امیر حسین احمد پیمان افسر نگهبان و مسئول زندان ساری با جمارت انقلابی خویش و با الهام از منته انقلابی نظامیان و مهندسین و با پیروی از آموزشهای کتبل محمد تنی خان پیمان و سروان خسرو بیاض و بسیاری دیگر از این قهرمانان راه خویش را یافت. مزدوری محمد رضائیه را ترک گفت و با انقلاب سلطانه خلق پیوست. سلاحی را که آمریکا و اسرائیل و شاه باو داده بودند تساه بروی مردم آتش بگشاید بروی خود دشمن گرفت و با یک جهوش انقلابی

قدم به پیش گذاشت . اوسوی خلق برگشت و در آغوش گرم و بر محبت خلق  
و بیشکامان ندان را و جای گرفت . با این عملیات انقلابی بود که در فرزندان  
راستین خلق ، برادر رجاهد محمد تقی شهرام ورنیزه ، مبارز حسین عزیزی  
از زندان شاه آزاد شدند و تعداد ۲۰ نفر تیرا سهرنگ فیلد آمریکایی  
و یک دستگاه بی سم ساخت اسرائیل و مقدار قابل توجهی مہمات به  
نفع انقلاب صادره شد .

هم اکنون ، برادر رجاهد ستوان امیر حسین احمدیان پس از یک  
سال مبارزه در صفوف مجاهدین خلق، تولد نوین خود را جشن میگیرد  
و به برادران نظامی خویش در نیروهای مسلح کشور پیام زهرا می  
فرستد ( ۱ ) .

---

( ۱ ) متن این پیام ( به صورت نوار و ماصدای برادر رجاهد احمدیان )  
از پخش فارسی رادیو " صدای انقلاب " که خطاب به نیروهای  
ایرانی متیم عمان از حدن پخش میشود ، پخش شده است .  
برنامه فارسی این رادیو ، موج کوتاه ردیف ۴۲ متر از ساعت هشت و  
پنج دقیقه بعد از ظهر تا هشت و پنج بوقت تهران پخش میشود .

پیام برادر جاحد ستوان امیر حسین احمدیان

به نیروهای مسلح رژیم

بنام خدا و نام خلق توهمان ایران

درود فراوان به همه شامسرازان و درجه دارانیکه به ملت حقوق کم و زینه سرمام آورزندگی و انواع ظلم های رژیم ، زندگی سخت و ماتحت فرسائی را میگذرانید .

درود بی پایان به همه شما انصران پاک و شرفی که بی عدالتیها و تبعیضهای رژیم وجدان پاکتان را چریحه دار میسازد .

یکسال است که زندگی نپوشی را آغاز کرده ام ، یکسال است که از تید بونگی رژیم غوغو خوار شاه ریشی یافته و به صفوف خلق پیوسته ام .  
به پنجبیت فریاد ما ملت شمرده ، از درون صفوف پیشگامان خلق ، از سنگرانقلاب مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد درباری ، از درون صفوف مجاهدین خلق ایران باشما برادرانم صحبت میکنم . میگویم خلاصای ازملل و مواملی را که باعث شد ترک مزدوری محمد رضا شاه را بنام و در صف مقابل رژیم قرار بگیریم ، باشما در میان بگذارم . اگر چه خودتان با با انجمن حقایق یا با حقایق بعزایت ، تلختر از اینها رو برو بوده اید ، اما هر حال من وظیفه خود میدانم که انگیزه ، اقدام خود را بگویم .

از آغاز زندگی با درد های مردم آشنا بودم . پدرم یک کارگر حمتکش

است که با وجود عمری بهر ارزشت سال با حقوق اندک در کارخانه نساجی شماره ۱ شاهی کار میکند • او مرکز کشتار کارگران کارخانه نساجی شماره یک شاهی را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۹ از یاد نه برده است • در امان یک خانواده زنجیرش پست شده ام و گمان اینکه میتوانم به دست داشتن شغل انصری شهرتانی مردم وطنم خدمت کم بدانشکده پلیس رفتم • اما برخلاف انتظام از اولین درسهائی که به ما میآموختند چگونگی سرکوب تظاهرات مردم و مقابله با مردم بود • از درسهای شخصیت گسی و فساد یکدم در دوره سه ساله دانشکده پیمان رسید و چهار سال بعنوان افسر شهرتانی در اداره راهنمایی و رانندگی تهران و بعد در کلانتری ساری و سپهر در اداره زندان ساری مشغول کار بودم • در این مدت حق کسبها و نامرد میهای فراوان دیدم • اصلا چه کسی در میان شما میتواند ادعا کند که بارها و بارها شاهد از بین رفتن حقوق مردم نبود است و باز چه کسی در میان شما میتواند ادعا کند که قادر است زندگی نظامی خود را با بیان برساند و بدون اینکه حقی را با پامال کرده باشد ؟ آیا در همین سیستم میتوان برای همیشه پاک و سر بلند زیمت ؟ کدام انصری پلیس میتواند شراقتندانه ادعا کند که خود ناظر با عمل اجرای تخیر محتوای پرونده های گوناگون بر اثر سفارش و دستور مافوق یا رشوه نبوده است ؟ کدام انصری پلیس میتواند شراقتندانه ادعا کند که در جریان زندگی انصری خویش کرا را شاهد یا عامل اجرای پرونده سازی علیه بیگانهان نباشد

مافوق یا لیل دیگر نبوده است وی گناه را مختصر قلمداد نکرده باشد ؟  
 اما همانطوریکه همه میدانیم در میان شما هستند درجه داران و انصران  
 پاک و زنی که با توجه باینکه در بعضی مواقع شاتمشان و حتی شغلشان  
 واقعا در خطر است در مقابل بیهود الیهیای در دستگاه و روسای خود لب به  
 اعتراض هرگز نمانند . اینگونه نظامیان پاک که همیشه میکوشند سی در  
 مقابل تبعیضها و رشوه خوارها و بیهود الیهیای در دستگاه باشند حتی الطهر  
 توسط رژیم و با بازداشتهای مکرر و دادن درجه و مقام و انتقالهای مسمی  
 در وی مورد اذیت و آزار قرار میگيرند . اینگونه درجه داران یا انصران با  
 ادای جمله الما و رمه و درود رانتریب نداده و تن بهرگونه هستی نمیدهند .  
 هم اکنون نیز در هر قسمت از نیروهای مسلح رژیم و همانطور که میدانید و  
 هستند درجه داران و انصرانیکه با وجود عزنه های سرسام آور زندگی با  
 همان حقوق کم و ناگانی بزندگی سخت خود ادامه میدهند و با اینکه زمینه  
 رشوه گرفتن فراهم است ولی هرگز شرافت خود را بیول نمیفروشند و باز هم  
 هستند درجه داران و انصران پاک که در مقابل بیهود الیهیای و تبعیضهای  
 در دستگاه و سادگانها و رشوه گبهای انصران مافوق پشت تاراحت مسمی  
 شوند ولی از آنجائیکه نمیتوانند اعتراضی بکنند لب فرومی بندند و با علم خود  
 میسازند و اتمام رنگ حالت خمودگی و ناراحتی به سر میبرند .  
 درود فراوان به همه شما سربازان و درجه داران و انصرانیکه مسئولیت  
 انسانی خود را فراموش نمیکنید . خلق ایران بهرچه شما افتخار میکند ما ما

بمه شما باید بدانید که این خلق مستمیده و محروم از شما انتظار دیگری  
 ندارد. زمانیکه محمد رضا شاه خونخوار و جنایتکار خاطر اجرای دستوراربابان  
 خود یعنی امپریالیستهای آمریکائی و اسرائیلی و سرمایه داران غارتگر  
 و اخلی که خود در رأس آنان است و کارگران و دهقانان پستوه آمده را  
 بگونه بی بند و آزاد پخوانان و وادانستان را در کوبه و خرابان بخون  
 میکشد و پوختنانه ترین و بعضی اتمام حقوق انسانی ملت را زیر پا میکشد  
 و منزل مردم روزی میرسد و حق طلبان را یکراست بدون محالکه بپوشه  
 آتش میکند و در این شرایط و پکتانوری محمد رضا شاهی که در ملوک خور  
 پان پختن خون پاکترین جوانان وطن ما همراه است و مزدوران و دروغیان  
 رژیم در شکجه گناههای قرون وسطائی تار و پود شجاعتین جوانان وطن  
 را از هم میگسلند و آزاد پخوانان و انقلابیون در دخمه های مغوف و شنا نه  
 و در پشت میاه های زندان بسر میبرند و در شرایطی که رژیم ظالم پهلوی  
 بعلمت ماهیت ضد مردمی با انواع نقشه های پلید و تجاوزات خود قصد  
 کشتار تدریجی و دسته جمعی انقلابیون را حتی در پشت میاه های زندان  
 دارد و در شرایطی که رژیم تجاوزگر محمد رضا شاه نباید ستور امپریالیسم  
 آمریکائی و انگلیس ۱۱ هزار نفر از شیما آفران و سرهازان را با نطفه آبها می  
 دریا میمان بکشتار برادران مسلمان خودتان در همان و امید ارد تا از رژیم  
 فاسد و ظالم و مرتجع قاپوس حمایت کنید تا برادران و خواهران مسلمان  
 مستمیده خودتان و بعضی انقلابیون ظفار را که برای آزادی میهن پرستان

-----چنگل ----- صفحه ۱۰

از جنگ استعمار به دست با انقلاب مسلمانان زده اند بخاک و خون بکشد  
و بالاخره در شرایطی که رژیم غرضخواه شاه شمارا قهرانی حفظ طالع مسیح  
اربابان استعمارگرش مینماید ، دیگر باقم خود ساختن و گمگاه زربار از ارض  
ظالمانه نرستن و دل به " حق و حساب " نگرستن خوش کردن ، دردی  
از این ملت ستمدیده ، راد و نمیکند ، بنا بر این از شرایط و وسیله ای که  
میتوانید استفاده کنید و با وایت کلیه مسائل تاکتیکی بفرجه این سیستم  
بعضی این رژیم مستکرم باخیزید و به یقین بد اند تا زمانی که سر نوشت ملتان  
بدست دربار سلوی است در مرکز دولتتان ما بخصوص زحمتکشان از ایس  
وضع نلاکبار نجات نخواهند یافت ، برانداختن رژیم <sup>۱</sup> این است انتظار  
که کارگران محرم کسورتان که پشت مورد استثمار سرمایه داران خارجی  
و وابستگان داخلی شان قرار دارند از شما دارند ، این است انتظاری که  
کسا و رزان فقیر کسور و کور نشینان جنوب و زرافه نشینان کرمنه مملکت و همه  
مردم کسور از شما دارند ، این است انتظاری که پاکستان جوانان وطن از  
دین شکجه گاهها و سلولهای نناک و تارک و از پشت میله های زندان  
از شما دارند ، این است آن اقدام اساسی که روح شهیدان قهرمان وطن  
را شاد خواهد کرد ، و سرانجام این است انتظار برادران و خواهران مسلمان  
شما در نظاره در سخت ترین شرایط به نبرد عادلانه آزاد بپوشید دست  
زده اند و شما نظامیان بخصوص ارتشیمان کسور را مورد خطاب قرار میدهد  
که : ای برادران نظامی مسلمان ایرانی <sup>۱</sup> آگاه باشید که رژیم مستکرم

ایران شمارا به برادر کسی فرستاده است • مانیز مثل شما از ظلم استعمار  
 گران و نوکران آنان رنج میبریم • ما برادران و خواهران مسلمان شما هستیم  
 ما هیچ تصویری نداریم جز اینکه برای آزادی و استقلال کشورمان از جنگ  
 امپریالیسم انگلستان و آمریکا و نوکر سرسپرده شان سلطان قاپورچنگ  
 عادلانه آزاد پیشتر دست زده ایم ما تقصیر نداریم جز اینکه میخواهیم بخار  
 چندین ساله استعمارگران انگلیسی و آمریکائی از ثروت ملی و ذخائر نفتی  
 که متعلق به ملت فقیرمان است پایان دهیم •

ما با شما هیچگونه دشمنی نداریم بلکه برادرانه توصیه میکنم قدری به اشتغال  
 و بنود آئید و گول تبلیغات و روغن ریا پرملو، را نخورید • فراموش نکنید که  
 شخصیتهای انقلابی پر محبتی ای مثل کلنل محمد تقی خان پسیان و سروان  
 خسرو رزبه از بین شما برخاستند و تپای جان مبارزه خود با دشمنان روس  
 جنایت کارانه دادند و هنوز هم مرگشان زندگی ساز است • دلیران  
 خود گذشته ای چون سر باز کار و شمس آبادی، از میان شما برخاست •  
 باز فراموش نکنید که از بین شما مبارزینی برخاستند که تا با امروز حدود ۲۰  
 سال است که در زندانهای شاه پسر میزنند ولی در مرکز حاضر نیستند از آرمان  
 خود یعنی سرنگونی رژیم پهلوی و آزادی ایران و برقراری عدالت اجتماعی  
 دست بردارند •

برادران نظامی ام

باید اعتراف کنیم از زمانی که در پانتم وجود من به روشنگری که باشد باند از

خودش در حفظ و بقای این سیستم دیکتاتوری و نابرابری موثر است و کسی  
 بزرگ بر وجودم سنگینی میکرد • از نگاه کردن مردم میترسیدم • زهر را  
 بدوی در ریانه بودم که بجهه <sup>سینه</sup> خیانت میکم • کابوس خیانت به هموطنانم  
 حتی در خواب نیز مراهانمیکرد • در همین جا از نظام هموطنانم به خصوص  
 نود • های زحمتکن نشانها میکم باید برون توبه ام مرا مورد عفو قرار دهند •  
 زیرا مدت چندین سال از هر نفوذ رانه تساهل رحمت شدت پانها نگرشتم •  
 بلکه بعلمت نادانی در خدمت دشمنان ملتم بودم و در همین حال از دست  
 زنج هموطنان زحمتکم استفاده می نمودم • ولی خیانت به ام میباشم  
 وقتی بونتر از همیشه برام مسلم شد که دوش از هوانان پان این آب  
 رخاکن را بزندانی آوردند که من زندانبان آن بودم • این دوزخنده •  
 گرد یعنی برادر رجاء محمد توی شورا و رفیق مبارز حسین عزیزی •  
 با وجود بیک خود در قید اسارت بودند • حتی در داخل زندان ها آن  
 شرایط سخت • از حقوق سایر زندانبان عمومی دفاع میکردند • اما در  
 مقابل • طبیعت دستور و ساری مانور • از آنجا استیکه مسئولیت اختلافات  
 داخلی زندان با من بود میبایست آنها را مقید تر نمود • و محظورینها می  
 برایشان فراهم نمایم • بازشل همیشه در تمام مراحل زندگی افسس خود  
 بر سر و برایشی قرار گرفتیم •

با پهنوان یکی از کارندان این دستگاه بازم همکاری نموده و حامل  
 سرکوبی برای این دوزخنده • واقعی کردم • روزگانی که حتی از زندگی

نسبتاً مرده خود دست کشید و زندگی خود را فدای احقاقی حقوق زحمت  
کسان و توده های محروم کرده و در سختترین شرایط نیز آنها را از یاد نسی  
پسرنسند \*

و با اینکه در کنار این عقابها قرار کیم و بولیا این رژیم ستکرها خیم  
مرحله ای بسیار دشوار بود و از آنجائیکه در جریان زندگی نظامی خود  
کواران را این مرحله قرار گرفته بودم لذا مطمئن هستم که شما نظامیان  
نیروهای سه گانه نیز در زندگی خویش مکرران را این دوره ای یعنی راه  
خدا و راه شیطان و راه آزادگان و راه دستگران و راه خلق و راه دشمنان  
خلق قرار گرفته اند \*

بنا بر این با مباحثی بهمان راه سابق ادامه دهم و پایه صفای من  
و همین پرست قهرمان در آم \*

ناگفته نگذارم که بزرگترین سد و مانعی که در راه پیوستن من به انقلاب  
وجود داشت، علاقه شدید خانوادگی بود ولی وقتی سمبیت و یکی اعضای  
خانواده این روزنده دلیران روزهای ملاقات میدیدم بی نرسد م  
که بین اعضای خانواده آنها نیز روابط عاطفی شدیدی وجود دارد  
که این انقلابیون بر آن غالب آمده و عاطفه زندگی را فدای آزادی مردم  
و وطنشان کرده اند. لذا من که آنها را از هر نظر موثرتر از وجود خود در راه  
خدمت به مردم میدیدم و مانند آنها بر تمام علائق خانوادگی و سایر  
عوامل باز ارزنده غالب آمده و نصف آنها و نصف انقلابیون خلق پیوستم \*

باگذشتن روی وابستگیها و آسوارانند ای رهائی خلق کردن همان  
است که تران بهامیآموزد :

« اگر درانتان ، فرزندانتان ، برادرانتان ، همسرانتان ، بستگانتان  
و زلمهائی را که انداخته اید و کاروکا سبقتان را از خدا و پیغمبر و جهاد در  
راه ارسینسرد و ست میدارید ، یعنی منافع و مواظقتان را بر مبارزه ترجیح  
مدهید بد آنکه که کفر سختی در انتظارتان خواهد بود . »

بسرودان نظم سامسی ام

از اولین روز که نخستین قدم حق را در مقابل باطل برداشتم ، با  
و حایت کلمه ، مسائل اضتی و درست کردن بهانه های پخلادرد درست و  
چنان بر مشکلات راه غالب آمدیم که برای خودمان تجربه خوبی نشد و  
تابه ، گرد بد که در ما پیش از حد تصور نیرو وجود داشته که از آن خبرند هشتم  
پس از هملیات موفقیت آموزترار ما از زندان ساری ، پخشنامه ای صادر  
کردند که ظرف ۴۸ ساعت باید مرده بازنده ام پیدا شود ، ولی تمام تلاشها  
مذبحخانه دشمن با آن برنامه های جاسوسی ضد خلقی آمریکائی

اسرائیلی و آنهمه گاد در سازمان امنیت و سپهانی و اندامری و ارتش  
بی نتیجه ماند . رژیم بهیچوجه جرات نکرد باین اقدام انقلابی فرزندان  
خلق اعتراف کند و مراد پخشنامه سری خود ، خاشاک به محمد رضا شاه  
معرفی کرد . البته باید بگویم از اینکه رژیم مراضائن بخود میداند بسیار  
مخبر و مستخفم ، زیرا که باگذشت زمان ، از یکطرف ایام باصالحات

انتقال بیون بیشتر میشود و از لایخی به جنایات و ماهیت ضد مردمی رژیم  
 بیشتر آگاه میگردد. آنها بنظر شما، در یک جامعه طبقاتی مثل جامعه  
 ما که در هر گوشه آن میتوان نابرابریهای عدالتی را دید، کسیکه بر  
 علیه چنین وضعی دست باقدا م بزند نباید در برابر ملتش سر بلند باشد ؟  
 من در دهان شب فرار یعنی شب آزادی واقعه طلی آخرین یاد داشتمی  
 که برای رژیم گذاشتم علت فرار را خیلی مختصر همین بی عدالتیها و مردم  
 طبقات دانسته، زندگی گذشته خود را عامل ننگی در قبال ملت میدانستم  
 در دفتر زندان ساری چنین نوشتم :

" راهی را که انتخاب کرده ام ابتدا این مرتکب است ولی من برای  
 سیر کردن شکم گرسنگان مردم و این لباس رنگین را ترک نمیکم .  
 اینک مختصری از زندگی خود بعد از فرار را شرح میدهم :

پس از فرار از زندان پادشاهی جدیدی آشنا شده ام که همه چیز آن  
 پادشاهی که قبلا در آن زندگی میکردم فرق زیادی دارد و من اکنون هم  
 چنانکه از سالها قبل آرزو داشتم، زندگی نهنی را آغاز کرده ام و بسط ا  
 روزی را که در این دنیای جدید سرشار از زندگی و عشق بخلق پذیرفته  
 شدم بحساب روز تولدم میکنم و بحق که تولدی تازه یافته ام و اکنون  
 نیز به صورت رشد منجمام . امروز که از زندگی تازه ام میگذرد احساس میکنم  
 که هموطنانم، هموطنان زنجیرم بحق زیاده تری بگردنم دارند، زیرا که  
 مدت چند سال از زندگی نظامی خود را در خلاف جهت ضایع آنها و در راه

سرکوب نرند ان پاك و انم و حفظ این رژیم صرف کردم • اما اکنون که به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمده ام • همانطور که اصول و اساس این سازمان بر روی ضایع و حقون زحمتکشان استوار است • من نیز همچون جبران گذشته ننکن خود • تا آخرین نفس و تاپای جان برای تحقق اصول و آرمانهای سازمان انقلابیم مبارزه خواهم کرد •

سربازان • درجه داران • افسران

شما با زبانی، به نهایت تجاوزگر جانی و در همین حال به نهایت مزور و باک که حقایق محض را در برهه جلوه میدهند سر و کار دارید و در حال حاضر رژیمم با تبلیغات زیاد و همه جانبه حقایق را مکتوم نشان میدهند •

یکی از انواع حمله های رژیم • نسبت دادن ماه نیروهای خارجی نسبت ضد اسلامی دادن به است • اما تمام مردم ایران بخصوص شما نظامیان نیروهای سه گانه بدانید و آگاه باشید که ما از فرزندان و برادران و خواهران واقعی شمایم و هیچیک از نیروهای خارجی در ارتباط نیستیم و شما مخالف اسلام انقلابی نیستیم بلکه یکی از نزدیکترین یاران اسلام میباشیم • رژیم بد روغ و قبحمانه بهمان نسبت خارجی میدهند • همانگونه که رژیم به نسبت خارجی به حسین بن علی علیه السلام میداد • از همین جاست که همه مردم کشور و به خصوص شما نظامیان باید کاملاً متوجه شوید و گول بزبانه های تبلیغاتی سراباد روغ رژیم را نخورید • بد رستی راه ما • راه انقلاب مسلمانان خلق ایران بیاورید و بدانید که رژیم برای گول زدن شما

بشدت به تبلیغات دروغ میبرد از د.

شما ای برادران نظامی! مطمئن باشید که بنا بر حکم تاریخ سرنوشت  
 این نغمه و تاج شاهنشاهی که از خون مردم مارتنگین است و از کون خواهد  
 کرد بد و باسرنگونی آن دشتزینی در تاریخ کشورمان باز خواهد شد. این  
 رامن نمیگرم این راتاریق مبارزات خلتها در همه کشورهای جهان به  
 اثبات رسانده است. نکاتی مختصر در تاریخ ایران در این نیم قرن اخیر  
 نیز صحت این مطلب را با اثبات میرساند و نشان میدهد که نیروهای حق طلب  
 بنا بر صورت تاریخ رفته رفته نوری میشوند. رضاخان قلد و چند رکبتار کرد و  
 چند رد یکتا توری سپاه خود را بشد بدترین وجه بر مردم اعمال کرد. پسر  
 او احمد رضا شاه چند رگزارگران، روستائیان و دانشجویان و روحانیون  
 مبارز و عشایر و دیگر مردم را کشتار کرد و چند مردم را به سیاه چالها  
 انداخته است. مردمی که در گذشته یعنی حتی تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۲ نمی  
 توانستند از خود دفاع کنند همین مردم اکنون اسلحه بدست گرفته اند  
 و به نبرد مسلحانه با رژیم مغرب پهلوی میبرد ازند و این تخمین بزرگی در تاریخ  
 مبارزات مردم کشورهاست. زهرانشان میدهد که مردم رفته رفته قوی می  
 شوند. زمانیکه توده اسلحه بدست گیرد و دیگر هیچیک و هیچ نیروی  
 راپارای اینستادن در مقابل این سیل بنیان کن نمیباشد. همچنانکه سهل  
 خروشان توده های متحد بد و سازمان یافته و مسلح و تمام بنیان بزرگترین  
 قدرت استعماری جهان یعنی آمریکا را بلرز در آورد و مردم کشورها نیز

و به رفته صاحب بندگان خواهند شد و بنیان کاخ استبداد پهلوی را تا برود  
گروه و پیرانه های آن جامعه ای آزاد و سراسر خدا نه را برپا خواهند کرد  
و اندک .

نمای پسران نظامی ! اگر بخواهید سرانجام نظامی خود  
را منظم کنید به نیروهای انقلابی روی آورید و از توده های استوار شده و  
مهم که نیروی مرکزی اصلی تاریخند پشتیبانی کنید تا در این حرکت  
منظم و مؤثر و منظم سهمی داشته باشید .  
ارتشبدان کشور !

بررسی تاریخ جهان بخصوص تاریخ معاصر بازم این اصل معلوم  
را به نظر به اثبات میرساند که نیروی تجاوزگر محکم به شکستی مسلم و  
نظامی است پس بداند که تجاوزات ایران به ایالت طنار و عمان در آینده  
بشکستی نظامی مسلم خواهد انجامید . همانطور که تمام نیروهای تجاوزگر  
آمریکائی در یوگوسلاوی ، نیروهای فرانسوی در هند و چین و الجزایر و نیروهای  
تجاوزگر انگلیس در هند و دیگر نقاط جهان سرانجام با شکست و خوارگی و در  
سالهاکه تغیر خلقهای جهان را برپا کرده خود برانگیخته و توسط خلقهای  
مردم تجاوز و ظلمتخانه بیرون رانده شدند ، انقلابیون طنار و جزایر عمان  
مردمان شاه را با انقضای هر چه تا سراسر زمین خویش بیرون خواهند کرد  
و راند .

برادران نظامی نیروهای سه گانه کشور ! آناه باشید که در راند

زهی فاسد و ظالم هستند و خود را این ظلم و فساد را در همه جای اجتماع  
 میتوانند بر آورند. از طرفی در صف مقابل رژیم و صف توده های خلق و  
 برادران و خواهران واقعی شما قرار دارند که برخلاف ظلم و ستمگری افسوس  
 رژیم بهاخواستند و کمک و پشتیبانی شما احتیاج دارند تا حکومت فاسد  
 و ماسوس و پهلوی را براندازند و یک اجتماع بی طبقه و توحیدی بپدید آورند \*

ما از شما میخواهیم که با روی آوردن و آموزش گرم خلق همیشه بروی خط  
 بازاست. انقلابیون شما را در میان خود جای خواهند داد و از همان ساع  
 که من برخورد ارشدم برخورد ارخواهید شد همانگونه که در این بزید ریاضی  
 با انقلاب حسینی بیوست و به رژیم بزید بان پشت پازد و شما نیز به رژیم  
 چنانیکار پهلوی پشت پازد و همبازین انقلابی که ادامه دهندگان راه هر  
 انقلاب سرور و مجاهدین حسین بن علی میباشند به پیوندید \*

من از وقتی که به برادران مجاهد خود یعنی بقلب پرتش خلق خوش  
 بیوستم و در تمام مراحل باچنان استقبال گرم و شورور باچنان محبت و  
 صمیمیتی اصیل رو بروندم که از خدا میخواستم ای کاش قدرت بیشتری  
 میداشتم و میتوانستم خدمت بهتری باین برادران و خواهران پانکوند آگار  
 مجاهد که یک لحظه از توده ها غافل نمیشد بنمایم \*

\* هر چه مستحکمتر یاد پیوند جنبش مسلحانه خلق پانهریجای

نظامی وطن پسرست \*

۱  
----- چنگل ----- صفحه ۲۵

• هر چه نروزانتر باد خورشید جنبش صلح‌مسانه خلق •

• سرنگون باد زخم سنگر و خون آشام محمد رضا شاه •

• دست تجاوزگر شاه از میان خلقهای ایران وریب کوتساه •

• پیروز باد نبرد نهرمانانه خلق عمان علیه تجاوز مزدوران شاه •

وار ابا ن آس کانسیت نگلیسین

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۳

\*\*\*\*\* اطلاعات و گزارشات مربوط به عملیات مسلحانه \*\*\*\*\*

در شب چهارم خرید و صادرات با سایر زنیواران پنج تن از کرامتین  
فرزندان رزقنده خلق محمد حنیف نژاد سعید حسن علی اصغر  
به پنج زادهگان محمود مسگری زاده رسول شکیب نام سه واحد چریکی  
از جهادین در سه عمل بجا آوری هماهنگ علیه سه موسسه این الهستی  
... صبر و بیعتی وارد بغداد و گسترش راه مبارزه مسلحانه و اراده خلعت  
فایده بر پیشگان مسلح خلق را یاد داده این راه آشکار اعلام نمودند .  
... نهادهای مورد حمله عبارت بودند از :

۱ - ساختمان شرکت آمریکائی - اسرائیلی جنرال با انفجار و صدم  
یکی در ساعت هشت و نوزده دقیقه بعد از ظهر عنوان هشدار مردم و  
بجایگیری از وارد آمدن مرموقه تلفات پانزده بگری که بسیار زهری و بد  
پنج دقیقه پس از آن انفجارات فراوان دید .

۲ - شرکت انگلیسی - درباری بیست و یک نفر کسایر با انفجار یک صدم  
در ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر شدت آسیب دید .

۳ - شرکت اسرائیلی تکوایی با انفجار و صدم یکی در ساعت ۸  
و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر عنوان هشدار مردم و انفجار و صدم یک صدم  
پس از آن در حالیکه نیروهای پلیس با پشتیبانی از خدمه در آمده و متوجه

از انفجارات بی دریغ بدروسا، شمان حلقه زده و صبح کدام جرئت نزدیک شدن بساختمان راند داشتند، پایه های ساختمان شرکت و تمام تاسیسات مربوط بآن درهم کوبیده شد.

سازمان بجاهدین خلق ایران بدنبال این عملیات و اطلاعیه سیاسی - نظامی شرحی تحت عنوان "عملیات ضد امپریالیستی" بجاهدین پیشنهاد بزرگداشت سالروز شهیدای جهاد خرداد و بیلم به خانواده های قهرمان شهیدای در خون خفته خلق و رزندگان اسپر\* هماد رود، وسطح بسیاری سعی میان مردم توزیع گردید. در این اطلاعیه نقشی مادران و خواهران مبارز و شرایط کوشی مبارزه و اصلی ترین وظایف آنان در مقابل بازماندگان شهید و خانواده های زندانیان سیاسی و کلا وابستگان به جنبش شرح شده است. شایان ذکر است که در همین رابطه، مادران و خواهران شهید اوزندانیان سیاسی و وابستگان به جنبش در بازار توران قم به حمایت اوزندانیان سیاسی به تظاهرات وسیعی دست زدند که با سرکوب شدیدی پلیس مواجه گردید. شعار آنها در قم "الله اکبر" و "درد بر جاهدین" بوده است.

\* در روزهای ۲۱ خرداد و چهارم تیرماه ۵۷ میزان با التعمیبات خونین کارگران کارخانجات لند روپوکاشی سازی ایرانا و سازمان جانشین خلق ایران به حمایت از این التعمیبات چند سلسله عملیات، انفجاری انجام داد. در رابطه با این عملیات و سازمان جاهدین اطلاعیه نظامی داد و وسطح وسیعی در میان مردم بخصوص در میان کارگران توزیع نمود.

### عملیات انفجاری مجاهدین خلق به پشتیبانی از اعتصابات خشم آلود کارگران

چند واحد همبستگی از سازمان مجاهدین خلق ایران در چند محفل  
همبستگی علیه مراکز کارخانجات وابسته به سرمایه داران امریکائی -  
اسرائیلی و وابستگان ایرانی آنها، شاه خائن و طبقه حاکمه پشتیبانی  
مجاهدین خلق را از مبارزات اوچکیزنده کارگران ایران اعلام داشتند.  
به خصوص این عملیات در رابطه با اعتصابات خشم آلود و مقاومت خونین  
کارگران مبارز کارخانجات جیب لند، رور و اهرانا و اعتراض آنان علیه غارت و  
استثمار سرمایه داران صورت گرفت. این عملیات عبارتند از:

۱ - انفجار پاسگاه زاندری کاروانسرا سنگ در سلامت سه و پانزده  
دقیقه ۲۹ خرداد ۰ این پاسگاه نقش فعالی در سرکوب کارگران داشت  
این انفجار هر چه بیشتر اهمیت ضد کارگری رژیم شاه جنایتکار را آشکار  
ساخت.

۲ - انفجار همزمان سه بمب در نمایشگاه و اداره مرکزی شرکت اسرا  
ایرانا واقع در خیابان نادرشاه در ساعت ۱۲/۳۰ سه شنبه ۱ تیرماه  
در صبح اول هشتاد و هشتاد و نه بوده و برای جلوگیری از وارد شدن خطرات

----- چنگل ----- صفحه ۲۱

جانی مردم کارگذاشته شده بود و مصیبتی میروشد سم که بخصوص در ساختمان

همه مدت مدیره قرار داده شده بود خسارات فراوانی به بار آورد \*

۳ - انفجار تاسیسات برق کارخانجات اسرائیلی ایرانیه واقع در

جاده کرج در ساعت ۴/۳۰ صبح \*

۴ - انفجار وانهدام کامل تاسیسات برق کارخانه چپالندور واقع

در جاده کرج در همان ساعت \*

در کلیه این عملیات بواسطه رهاپت‌های مجاهدین بخصوص رعایست

زمان و مکان انفجار هیچ صدمه ای به کارگران وارد نیامد و مجاهدین نیز

سال به پایگاه مراجعت نمودند \*

شکوفان باد مبارزات حسی طلبانه کارگران

نابود باد رژیم ضد خلقی و ضد کارگری شاه جنایتکار

پیروز باد مبارزه مسلحانه تسه راه رهائی خلق

سازمان مجاهدین خلق ایران

نورماه ۱۳۵۲

توضیح : شرح انتصابات کارخانجات لند روریکانی سازی ایران  
بعثت تراکم مطالب در شماره آینده خواهد آمد .

\* در پانزدهم روز ۲۰ مرداد ماه ۵۳ حکم اعدام محمدصادق فاتح  
یزدی صاحب کارخانجات «سرف جهان» بخاطر ارتش موشری که در کتار  
کارگران جهان جهت بصدقه داشت ، توسط یک واحد از زندگان سازمان  
چریکهای فدائی خلق به مورد اجراء آمد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ، به همین ضابطه یک اعلامیه  
همچنین بد خطابیه توضیحی صادر نمود .

اعدام فاتح خونخوار توسط فدائیان و انجام چند سلسله عملیات  
انجباری در کارخانجات لند روریکانی سازی ایران نشان دهنده نقطه  
عطفی در تاریخ مبارزات سپه ما بشمار میرود و در همین حال گویای اهمیت  
و نتیجه خاصی است که این سازمانهای رزده به نقش طبقه کارگر در  
رهبری مبارزات خلق مامید دهند .

ند  
\* عده زیادی را که دارای سلاح کمری و مسلسل و مواد منفجره بودند تا  
در زفول دستگیر کرده اند . در میان این عده د نفر کارگزاران بوده اند  
که یکی از آنها در بودن هواپیما در سال ۴۹ به بغداد دست داشته  
است . همچنین اخیراً یکی از دهات زفول بنام «پسوت» معلومی

که دارای درختچه اسلحه بود و دستگیر میشود .

• در اوائل اردیبهشت ماه سه اتومبیل ستاری متعلق به آمریکا  
را در تهران پارس و مهرآباد و یک جای دیگر متعجب کرده اند .

• در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در حوالی میدان قزوین قتلگبان عدای  
سلح پیکانی را محاصره کرده و زاننده را که ظاهری آراسته داشته پیاپی  
میکنند سپس شروع به جستجوی ماشین می نمایند . زاننده خوشمردانه  
پیاپی شده و تمامها مشغول میشود . در این هنگام موتورسواری از راه  
میروند و زاننده ترک موتورنشسته فرار میکنند . مأمورین در صندوق عقب  
ماشین اسلحه بدست میآورند .

• در هنگام سفر فریح بکرمان ، وی میخواسته به زیند برود و در آنجا  
از خانه های کارگران دیدن کند . چون میسر نماند تا خانه های کارگران  
را با اتومبیل طی کرده ، سه هنو کوترنهایی میسر نماند میکنند و ای  
سلح را که در حوالی جهاد سنگر گرفته بودند دستگیر میکنند .

• اخیراً در بروجرد نقاد بیری اسلحه کشف و ده ای در حدود ۳۰ نفر  
دستگیر شده اند .

روزنامه کیهان در تاریخ ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه گزارشی در  
 مورد یک برخورد در مرز ایران و عراق در آذربایجان غربی نوشته بود. منسی  
 بر این، سروان محمدصادق صادقی فرمانده گروهبان زاهد ارمنی نقشه  
 دیگر همان یک کوشش که اهل تبریز بود، اند در همان یک برخورد  
 کشته شده اند. وی واقع امر آنطور که نزد یگان، قتلین میگویند از این  
 قرار بود، که ظاهر گروهی از حرکت کجای کرد با یک حین نظامی افراد و اند <sup>مرد</sup>  
 را بدام انداخته و به قتل رسانده اند. بافته اینان، همه ای نزد سروان  
 صادقی میروند و ادعا میکنند که همه ای از کمان آنها بوده شده اند. وی  
 به همراه سه نفر دیگر از ناموران زاهد ارمنی سوار حین شد، برای بی انتقام  
 این همه در وسط راه با مانعی برخورد میکنند که برای برداشتن آن مانع  
 از ماشین، با این میآیند. در این هنگام از هر سوزن در کنار گلوله قرار میگیرند  
 و در همان (سروان صادقی و گروهبان کوششی و در زمان ام دیگر)  
 کشته میشوند. سروان صادقی قبل از مرگ جریحان را توسط بی سم همه  
 اطلاع فرمانده انژی، برساند وی قبل از رسیدن کمک، چون کجا صحنه عمل  
 را ترک میکنند.

میندس حبیب خسرو شاهی (پسر صوملی مجاهدان اسپرمندی و  
 حسین خسرو شاهی) کارمند تربیت بدنی و مسئول استاد بیم صد هزار نفر  
 آریامورحد و در راه تبیل دستگیر میگردد وی بر اثر اشتباه قرار در جوان <sup>ی</sup>

ساره نهبندد . اورا بحتل قرار میآورند تا بطور طبیعی راه برود . موجب  
از فرصت استفاده کرده ، خود را جلو يك کامیون میاندازد که بشدت مجروح  
میشود . ساواک بخانواده آنها گفته که هنوز در بیمارستان است ولی گفته  
میشود که حتما شهید شده است . درود بر او! ضمنا خواهد رسیدی خسرو<sup>شاه</sup>  
نیز دستگیر شده است .

• از ائیل اردو بیخشت ، يك دانشگاهی مدیونیت در کرمان دستگیر میشود  
که مسلح به کلت بوده است . در نتیجه ضعیفی که این فرد نشان میدهد  
حدود ده نفر دستگیر شده اند . گفته میشود که در قبضه اسلحه دیگر نیز از  
آنها کشف شده است .

• در اواخر اردو بیخشت در \* نهریز \* فارسیده ای به دو مامور گارد  
جنگل و منابع طبیعی حمله کرده و هر دو را کشته و سلاحها پشان را که ام - يك  
بوده همان ره کرده اند .

• اواخر تیرماه ، در ساعت سه بعد از نیمه شب ، پلیس رگشت یک نفر را که  
مورد سوء ظن وی قرار میگیرد در خیابان شوروی ایست داده و از او میبرد  
کجا میخواهی بروی ؟ وی جواب میدهد میدان - سپس متوجه میشود که  
پلیس قصد بازرس بدنی او را دارد لذا اقدام به فرار نمیکند . پاسهان به<sup>سوزی</sup>

اوتیراند از می کند شخصی بنور آتش اسلحه خود باو پاسخ میدهد در  
این هنگام آتسرگشتی پلیر خود را در شاه کوجه ای از ترس مغلط میکند  
پاسبان نیز جرات تعقیب جدی را نکرده و شخصی بنام علی کاشی که در  
آن حوالی بوده است خود شهرت می کرده و بدین حال جوان مسلح می رود تا  
باو برسد و وی علی کاشی را از ادامه تعقیب منع کرده و باو هشدار میدهد  
ولی این تهدید دوطی کاشی اثر نمیکند و لذت آن مرد مسلح یک تیر باوشلیک  
نموده و طوی کاشی را از پای در آورده و فرار میکند

\* ساعت ۹ بعد از ظهر یکشنبه ۲۷ مرداد ماه در انفجاری که در  
یکی از خانه های پایگاهی جلاهدین واقع در خیابان شیخ هادی رخ  
میدهد و در جاهد رزنده سیمین صالحی و لطف الله مینوی زخمی و  
سنگبر میشوند انفجار احتمال زهد ناشی از احتمال مداریک بمب در  
پایگاه موقوف می پیوندد و بلافاصله پس از انفجار به برادر جاهد رسید  
لطف الله مینوی که زخمهای سطحی برداشته بود به دلیل فرجه ناشی  
از انفجار به حالت بهبودی می افتد و خواهر جاهد سیمین صالحی با اینکه  
زخمی گردیده بوده است چند دقیقه ای را صرف بهبود آوردن لطف الله  
از یک طرف هادی کردن وضع منزل از طرف دیگر میکند مردم که تصور می  
کردند که کپسول گاز ضنج رشده است با بدن شعله های آتش گسیه  
ناشی از سوزانده شدن مداریک در خانه تپمی بود آتش نشانی تلفسین

میکنند • یکی د پاسبان پست سعی میکنند از روی دیوار خود را بد اخل <sup>ل</sup>ش  
 برسانند که با تپه پد اسلحه خواهر جاهد سیمین مواجه شده • عقبگرمی  
 کند • خواهر جاهد سیمین صالحی که وضع را برای ماندن • مناسب  
 تشخیص نمی دهد اقدام بفرار نموده و پنهان دره • یک اتومبیل از منطقه  
 می گریزد • لیکن مورد تعقیب قرار گرفته و طی دو مرحله درگیری پس از  
 زخمی نمودن • نواز تعقیب کنندگان • از جمله د پاسبان • دستگیر  
 میشود • در طی این عملیات جنگ و گریز این خواهر تبرمان و جاهد  
 حماسه ها آفرید و با کمال رشادت • آنطور که شایسته یک مجاهد است •  
 از خلق خویش دفاع کرد • خواهر جاهد سیمین صالحی در این شرایط  
 هفت ماه و نیمه حامله بوده است • رژیم بدنیاال سیاست توطئه سکوت  
 در مقابل انقلابیون راستین خلق از آفتاب این واقعه که جریانش در نقاط  
 مختلف تهران بین مردم شایع شده خود داری کرده است تا با اصطلاح  
 ثبات و امنیت خویش پرانشان دهد و برای اینکه وانمود کند که هیچگونه <sup>ن</sup>تغی  
 دیگری در ایران بوقوع نمی پیوندد و هم اینکه بتواند بدون برگردن گرفتن  
 هیچ گونه مسئولیتی • و حضیانه به شکجه این رزندگان تورمان ببرد از •  
 عبد نیال انفجار فوق الذکر در همان شب ۲۷ مرداد برادر جاهد  
 دیگری بنام محمد ابراهیم جوهری که در جوانی انفجار دیگری زخمی شده  
 بود در همان حال زخمی سعی میکند که خود را بخانه پایگاه هوش واقف  
 در خیابان شیخ هادی برساند که آنجا را در محاصره پلیس می بیند • در

دعین حال در اثر شدت خورشیدی و جراحات وارده، بی‌هوش و بدست دشمن اسیر می‌شود .

با اکنون اعلام می‌گیم که سه جاهد قهرمان، سیمین صالحی، محمد ابراهیم جوهری و لطف الله میشی، هر سه زنده و با جراحات غیر خطرناک در دست دشمن اسیر شده اند . لذا مسئولیت بعدی زندگی و مرگ آنها مستقیماً به گردن رژیم مزدور و پهلوی و شاه جنایتکار خواهد بود .  
شما ای از زندگی و مبارزه این سه جاهد قهرمان راد زنده بمانیم :

منوهر مجاهد، سیمین صالحی در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد گردید . نهم ساله بود که پدرش بدلیل عضویت در سازمان افسران حزب توده بازداشت و مدت پندس سال زندانی شد و این جریان در روح حماس خواهر اثرات عمیق گذارد . پس از آن پدرش را از ارتش اخراج نمودند و او که هفتد سرشیمی بود بدنیال استخدام در کارخانجات تند از جمله کرمان، خراسان و ... خانواده را نیز همراه خویش میبرد . زندگی در میان مردم فقیر روستاهای گسور <sup>مهریز</sup> عشق و همت در این خواهر جاهد ایجاد کرد . دوران تحصیلات عالی به خویش راد رشته پزشکی دانشگاه شهید بهمن اتمام رسانید ، سپس برای گرفتن تخصص در بیمارستان سینای تهران مشغول بکار شد . در بیمارستان سینا بود که او پیش از پیش بارشده های اصلی فقر، مریضی و زنج توده ها آشنا شد و کینه انز علیه دشمنان خلق

محتوای عینی و صلیق بیشتری یافت • او که همیشه برای بهبود وضع مردم تلاش نموده بود ، با توجه به نظم و روزشمار جنبش مسلحانه پیش از پیش با این اعتقاد دست یافته که جز تا بودی رژیم آنها در یک نبرد توده ای هیچ راه دیگری برای رهائی خلق باقی نمانده است •

او دریافته بود که اگر آزادی خلق کاری بس عظیم است ولیکن از میان خون و گلوله و آتش میتوان راه بسوی آن کشور و همین دلیل بود که از روی اخلاص و با صداقتی در خور یک انقلابی به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست • اگر چه مدت زمان اندکی بود که در این راه گام نگذاشته بود ، لیکن با برخورد قاطع خویش در فعالیتهای مختلف و بخصوص در ریشی کسه حادثه انفجار اتاق انتاد ، نشان داد که عشقش به خلق و ایمانش به مبارزه مسلحانه خلل ناپذیر است •

• برادر مجاهد ، محمد ابراهیم جوشری در ابتدای شهریور ۱۳۵۰ •  
 در جریان یورش ساواک به برخی از شبکه های سازمان مجاهدین خلق در دستگیر و پس از یکسال از زندان آزاد گردید • او سر از آزاد شدن از زندان ، هیچگاه دست از خود سازی برنداشته و در حالیکه بظاهر زندگی عادی خویش ادامه میداد ، کوشش های پیکیری برای آماده شدن هر چه بیشتر جهت ششای شدن مینمود • برادر مجاهد ، محمد ابراهیم در زمستان ۱۳۵۱ و تقریباً ۵ ماه پس از آزاد شدن از زندان به همراه دو برادر دیگر

شهید محمد رضاسادات خوانساری، شهید هوشمند خاچه ای زندگی  
 مغفول را پند برآورد چرا که دیگر زندگی علمی را با آن شکل مناسب برآ  
 فعالیت‌های انقلابی پیش‌نمیدید و از سوی دیگر سازمان انقلابی بوجود آورد  
 و فعالیت هر چه بیشترند آگاهی اونیاز داشت. او جمع برادران جهاد  
 پیوست تا وظیفه انقلابی خود را نسبت به خلق و میهنش به بهترین وجه  
 ادا نماید. درود بسراو!

\* برادر مجاهد، لطف الله همیشه در سال ۱۳۱۹ در اصفهان  
 متولد شد و در سال ۱۳۴۱ از دانشکده فنی دانشگاه تهران، رشته معدن  
 فارغ التحصیل گردید. او در دوران دانشگاه که مصاف با فعالیت‌های  
 سیاسی آنزمان بود در مالان در مبارزه علیه رژیم شرکت نمود. در سال  
 ۱۳۴۲ دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت و به ۸ ماه زندان محکوم شد. پس  
 از آزاد شدن از زندان و در ک عمیق این ساله همراه جملهای رفورمیستی و  
 پارلمانی هیچ دردی را از این ملت دوانمیکند، پایان نتیجه رسید که  
 بدون داشتن یک تشکیلات منظم و مضبوط سیاسی - نظامی، ادانه مبارزه  
 به روشگی دبریا زود به بن بست خواهد رسید. او این تشکیلات را در روز  
 سازمان جهاد بین خلق ایران تبلور یافته دید و در سال ۱۳۴۹ با شهرو شوق  
 فراوان بسازمان پیوست و منشا خدمات ارزنده ای شد. او که در شرکت  
 امینکائی نفت لاران کمیکی از غارتگران شوتهای نفتی خلق ما ستاستند ام شده

----- جنگل ----- صفحه ۳۹

بود، اولاً حقوقی چند هزار تومانی خود را خالصانه در اختیار سازمان میگذارد  
ثانیاً اطلاعات مفید و شناسایی راد رزمینه کار نموده برای سازمان جمع آوری  
میکرد و این همه علاوه بر وظائف تشکیلاتی او بود که طیها پیچیده و یک عضو  
گذارد، میشود. مجاهد اسپر لطف الله در ابتدای شهریور ۱۳۰۰ که  
صادف با یورش پلیسی به چند خانه تهمی، سازمان بود دستگیر و تا شهریور ۰۲  
در زندان بسر بردند این مدت توانست عملاً پیش از انقلابی خویش را افزایش  
دهد. او پس از آزاد شدن دوباره، خانواده، همسر و شغل پرورد را پسند  
خویش را رها کرده و بزندگی تمام وقت مخفی پیوست تا بتواند فعالانه تردد  
خدمت انقلاب و سازمان در آید. یکبار در یک درگیری در نزدیکی سفارت  
اسرائیل که منجر به دستگیری برادر مجاهد کرم رستگار شد، موفق به فرار  
کردید، ولی این بار دلیل ضربه ناشی از انفجار و پیوستن شدن، همدین  
اینکه بتواند مقاومتی از خود نشان دهد بدست دشمن وحشی اسپر شد.

پیسروز بساد نبرد مسلحانه خلق ایران

تا بود باد زیم سپاه پهلوی و اربابان انگلیسی، امریکائی و اسپرانیایی  
درود بر تمام زندانیان اسپری که قهرمانانه در نبرد شکنجه های رژیم  
شاه مقاومت میکنند.

-----x-x-x-x----- اغبیسار و گزارشات کارگری -----x-x-x-x-----

### گزارشی از کارخانه سیتروشن (سپان)

کارخانه سیتروشن سازنده اتومبیلهای زبان درجاده کرج واقع است . تمام سرمایه کارخانه متعلق به یک سرمایه دار فرانسویست . مدیر عامل آن شخصی بنام " آلفرد آیمه " است . تعداد کارگران اسپان کارخانه در حدود ۱۰۰۰ نفر میباشد . حداقل حقوق کارگران در این کارخانه ۱۱۰ ریال است ( قبل از اجرای قانون وزارت کار صوب ۱۳۰۰ ۸۰ ریال بود ) که از آن ۱۰ درصد بعنوان مختلف ( حق بیمه و تعاضی ۰۰۰ ) کسر میشود . محصول این کارخانه در هر روز ۵۰ اتومبیل زبان میباشد که بین ۱۶ تا ۱۸ هزار تومان در داخل فروش میرسد . دولت از هر اتومبیل ۳۰۰۰ تومان بعنوان مالیات دریافت نمیکند .

جزئیات دیگری در این کارخانه ساخته میشود . کارگری تعرف نمیکرد که ماه عینه می بینم که کارفرما برای هر اتومبیل بیش از ۸ هزار تومان ( با مالیاتش ) خرج نمیکند و در حقیقت از هر اتومبیل ۶ تا ۸ هزار تومان سود خالص میبرد . در حالیکه این پول ، دسترنج کارمندان ( در ک استنارد روابط ظالمانه اجتماعی )

حال بود از هم گزارش امتصا به یک در هجمن ماه گذشته در این کارخانه

توسط کارگران انجام گرفت :

کارگران این کارخانه در پانزدهمین ماه سال ۵۲ سه بار دست به اعتصاب زدند که جمعا ۵ روز دست از کار کشیدند . این اعتصابات بدینحال به نتیجه نرسیدن مذاکرات نمایندگان کارگران با مسئولین امر ( عوامل وزارت کار و کارفرما ) صورت گرفت . شایان ذکر است که این فعالیت ( مذاکرات ) نمایندگان هم که در اثر فشار کارگران صورت گرفته و مدتی در لغو کردن کارگران و بازداشتن آنان از اعتصاب و ۵۰۰ بوده تا هر چه زمان مسئله در خواستها از حالت حاد خود کاهش پیدا کند موضوع منتفی گردد . البته گرایش کارگران در پیوسته به خط مشی فوق ( حاصل مسالمت آمیز مسئله از طریق سندیکا و اتحادیه و ۵۰۰ ) مزید تحول بود . بهر حال کارگران دست به اعتصاب زدند . از ابعاد و کیفیت این اعتصاب اطلاع زیادی در دست نیست همین قدر معلوم است که کارخانه در حین اعتصابات توسط زاندارها محاصره گردیده ولی درگیری ای به وقوع نپیوسته . کارگری تعریف میکرد که من اولین باری بود که چنین اعتصابانی ( سه بار دست مرسوم ) را بخود دیدم . درخواست اصلی کارگران ۵ افزایش سود ویژه بودت ۵ ماه بود . ( سال گذشته ۲ ماه سود ویژه به کارگران داده بودند که امسال کارگران به علت بالا رفتن هزینه زندگی ۵ خواهان افزایش آن تا ۵ ماه بودند ) وزارت کار و پر فشار کارگران کارفرما را تا چهار ماه راهی به پرداخت سود ویژه نمایند ولی کارگران میگویند :

اگر از ۵ ماه بگذرد کم‌تر باشد مانعی پذیریم • یکی دیگر از تقاضاهای کارگران اخراج رئیس کارکنانی کارخانه به علت اشتدای اش بعنوان کوشاکو از کارگران بود • با این درخواست هم موافقت نمیشود •

نمایندگان کارگران در همین اجتماعات و تشریحی نزدیکتر گرفته بودند • وی خطاب به نمایندگان میگوید : شما ( منظور کارگران ) آیا میدانید چه موقع دست‌پایین کارمندان ( اجتماع ) زده اید ؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته ( اتفاقاً اجتماعات بازده و خورد مرزی ایران عراق صادر شده بود ) • شما با آنان چه فرق دارید ؟ آنان در روزها اخلاقی میکنند و شما در داخل ( شما شده ) میشود کسه چگونه خواسته های صنفی کارگران را با مارک سیاسی میکنند ( ..... )

شما ( نمایندگان ) پس چکاره هستید ؟ شما می‌توانید هزار نفر کارگر

را آرام نگذارید بدرد نمایندگان نمی‌خورید • پس بهتر است استعفاای خود را بدهید •

نمایندگان هم که اکثر از کارگران رزمیست بودند همگی استعفاای خود را تسلیم میکنند و از دفتر خارج میشوند • بدینحال این جریانست وزارت کار کارگران را تهدید میکند در کارگری که سرکار نمود بزرگتر ده از ۱۵ هر سال سابقه کارش فقط ۱۵ روزش را باز خرید میکند و سپس اخراج می نمایند ( کسی که ۲ سال سابقه کار داشته باشد هنگام اخراج بطور قاطعی باید به از ۱۵ هر سال سابقه کارش ۳ ماه باز خرید کرد که در مجموع ۲۱ ماه

میگرد ( کارگران ابتکارا برای اینکه نشان قناع نشود به سرکار خود باز  
 میگردند . پس از تصحاب وزیر کار کارگران اطلاع میدهند بخاطر عمل شهر  
 قانق آنها و جبران خسارت کارفرما اسامی نفط يك ماه سود ویژه به شما  
 پرداخت میگردد و بعد ۱۵ اسفند خودم ( وزیر کار ) میآیم و آنرا میگردانم (۱)  
 پس از آرام شدن اوضاع در کارخانه ساواک در روز بین ۱۰ تا ۲۲ انفور  
 از کارگران مبارزان ازمیج نفعی برای بازگشتی و تهدید احضار میگردد تا شاید  
 سرخشی بدست آورد و ضمن آنان را بطور انفرادی با تهدید از فعالیت  
 برای برانداختن و یا شرکت در اعتصابات درآینده بازدارد .

قابل ذکر است که ترکیب نمایندگان از عناصر وابسته بساواک و کارگران  
 و فریبست تشکیل شده که در درمیان اخیر عده ای از کارگرانی که تعالیات  
 رژیمستی داشتند بخاطر عدم موفقیتشان سرخوردند . مثلا یکی از آنها  
 بیگت : \* من غلط بکم ایند نعه نمایند شم \* در اعتصابات  
 اخیر ، کارگرانی که با اعتصاب مخالفت میکردند و میخواستند سرکار بروند <sup>پسند</sup>  
 دیگر کارگران موافق با اعتصاب کتک میخوردند . دلیل کارگران مخالف  
 با اعتصاب بظواهر این بود که : \* اعتصاب را کارفرما راه میاندازد تا برای

۱ - کیهان ۵۲/۱۲/۱۹۰۰ \* وزیر کار و امور اجتماعی بیست و دو  
 میلیون ریالی بود سهم کردن کارگران کارخانجات، سیتروشن راضی یک  
 نمره چک بانای رسولیان میباشد نمایند که کارگران تسلیم کرد \* . . .

ما که می‌خواهیم بطور ثانوی ( سلامت‌آمیز ) بنفواسته نمایان برسیم  
سدهی ایجاد کند . بدینصورت که وقتی ما پیروز وزیرکار برسیم ، ما بکنیم  
چون شما اعتصاب کرده اید و این کارتان برخلاف قانون است شد پسما  
مخالفت میکنیم .\*

در یکی از روزهای اعتصاب پس از این که وزارت کار باپرداخت ۴ ماه  
سود ویژه موافقت میکند یکی از نمایندگان رفرمیست ( که احتمال ساواکی  
بودند ضعیف است ) رویه کارگران اعتصابی کرده و میگوید : بپایند با  
همین چهارماه موافقت نمائید و سلاخی شاهنشاه هورا بکشید و برسد  
سرکار . ناگهان همه کارگران میگویند ما نه هورا میکنیم نه با چهارماه  
موافقت میکنیم . قابل توجه است که در کارخانه فوق کارفرما مورد تفسیر  
همه کارگران حتی رفرمیست ها میباشد .\*

از گزارش فوق میتوان پس از جمع بندی مختصره مسائل قابل توجه زیر  
را نتیجه گرفت :

۱ - رشد آگاهی کارگران برنامه های ضد انگیزه ای رژیم رای اثر  
میسازد . چنانکه در بالا دیدیم کارگران با سهیم شدن در سود ویژه کار  
نه تنها انگیزشان گزیده نشده بلکه با بالا رفتن آگاهی آنان توتخشان  
هم بیشتر گردیده است .\*

آتشید تضاد خلق با رژیم . محاصره کارخانه توسط راندارها  
( عوامل رژیم ) با ارتباط آن بخدمت موافقت وزارت کار با خواسته های

----- چکال ----- صفحه ۴۵

کارگران و ۰۰۰ ماهیت وزارت کار را که همیشه خود را پشتیبان کارگران معرفی می‌نماید ناش میسازد و در نتیجه کارگروه پینه می‌بندد که در قسم هدنی جز استشارش بد نیروی و حفظ منابع کار نرماند ارد .

۲ - کم کم کارگری میبرد که از طریق مسالت آمیز ( خط مشی رفرومیستی ) نمیتواند حقوقش را بگیرد و بدین ترتیب عمل رفرومیستی را به تجربه بی نتیجه و باطل میباید .

۱ - هدنی که رژیم از اتحادیه و سند پکا دارد یعنی کنترل کارخانه بدست خود کارگران ( نمایندگان ) ، تا بوسیله آن چهره ضد مردمی خود را در زیرماسک این باصطلاح نمایندگان حفظ و اهدانش را بوسیله عوامل خود پیاده کند ( سخنان وزیرکار به نمایندگان ) .

۰ - انتصابات به سببته چند سال اخیر نشانه استعمار و حشانه سستی شرایط زندگی و رشد آگاهی کارگران است .

تبلا باستاد به کیهان مورخ ۱۹/۱۲/۵۲ اشاره کردیم که وزیر کار چکی بمبلغ ۲۲ میلیون ریال بعنوان سود ویژه کارخانه بنمایند کارگران پرداخت کرده است . در مورد صحت یا سقم این رقم با کارگری صحبت کردیم که وی چنین میگفت تمام ۲۲ میلیون ریال را بین کارگران تقسیم نکردند بلکه مقدار زیادی از آنرا بصورت ۵۵ اتومبیل زیان فقط به عوامل وزارت کار و کارفرما ( از قبیل نمایندگان وابسته و طرفداران کارفرما و ۰۰۰ ) پرداخت کردند و مابقی را هم حیف و میل نمودند فقط حدود یک میلیون ریال

آمرابین کارگران تقسیم نمودند ( سود ویژه را معادل دوماه حقوق کارگران داده اند ) موی افزود : بین هزار تومان که دوبرابر حقوقم بود پول دادند که بیش از ۷۰۰ تومان آنرا در ایام عید صرف دوا و کتوزیم کردم . پرسیدم وضع سند یکا نمایندگان در چه حال است او زد زیر خنده و گفت : ای بابا ۰۰۰ کاری که از دستشان ساخته نیست . . . و سپس ادامه داد که دیگر هیچ کارگری نه دلتز میخواند نمایند و شود نه پس آن اعتقاد دارد ( وی وقتی در این مورد صحبت میکرد با تمسخر میخندید <sup>لبش</sup> )

رابیان میکرد و این از بی اعتمادی او نسبت باین قهول فعالیتها ناشی میشد ، در حالیکه قبلا وقتی در این زمینه صحبت میکرد کاملا جدی تر و معتقد بنمایتهای سند پکائی وزیر میستی بود . اکنون فقط ششسی نمایندگان کارفرما بعنوان نماینده کارگران در سند یکا هستند و پس . . .

لازم بشد که است که رئیس کارگرنی ( کسی که کارگران خواهان <sup>چنگل</sup> اخراج از کارخانه بودند ) چند نفر از نمایندگان وابسته که باریس کارگرنی هم مشریند اساسی حدود ۱۰۰ نفر را بعنوان اغلالگرساواک گزارش کرده بودند که همانطور که گفتیم این کارگران از طرف ساواک احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار میگرفتند .

- اکنون کارخانه نظامی آرام است ولی کارگران کاملا ناراضی اند
- فقط کارفرما میخواند کار کارگران را و شیفته بکند ( اکنون یک شیفته است ) ولی کارگران بانظروی مخالفند و حاضر به شب کاری نیستند .

### تساویج :

۱ - مشاهده میشود که سرمایه دار چگونه پولی را که بصورت سود و بهره از جنگش خارج میشود با فروش ۵۵ اتومبیل و باره به جیبش میسازد میگردد .

۲ - فساد رژیم باعث عدم اجرای برنامه های ضد انگیزه ای ای میگردد و بالنتیجه رژیم همواره با تضاد فوق روبروست و نمیتواند برنامه های ضد انگیزه ای و ۰۰۰ را آنطور که هدف طراحان آنست بپوشد اجرا بگذارد . دادن شعار و عدم قدرت اجرای آن از طرف رژیم غمناک انگیزه ای برای توده هاست .

### \* گزارشی از کارخانه ریسندگی و بافندگی آذر \*

این کارخانه در سه کیلومتری شهر اصفهان قرار گرفته که گفته میشود حاج کنباسی صاحب آن است ( چند برادر هستند که یکی از آنها اداره امور کارخانه را بدست گرفته است ) این کارخانه تقریباً ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ کارگر دارد که در سه شیفت کار میکنند . حدود ۵۰ نفر با وجود خصوصیه با دواتیوس که از طرف کارخانه در اختیار کارگران قرار گرفته است و آمد میکنند

که یکی از تویوسها آنقدر بر می شود که حتی جای ایستادن هم نیست .  
 اکثر کارگران را بچه های کمتر از ۱۶ سال تشکیل می دهند . افراد  
 بیشتر از ۱۶ سال را استخدام نمیکنند و با نرسیدن مود سر بازی کارخان  
 آنها را اخراج میکند . یکی از کارگران خرد سال میگفت : من خودم بسا  
 یارتی بازی و اینطرف آنطرف زدن توانستم استخدام شوم .  
 مزد بکه الان پس از دو سال بمن میدهند ۶۵ ریال است که ۵ ریال  
 آنرا هم بیهه بر میدارد و این همان مبلغی است که کارگزارانند امید آنست  
 به کارگزاران روز چهارده دنان با ارزش ۸ ریال میدهند که غالباً خمیسر  
 است . بکارگران از ۱۸ سال به بالا ۸ عدد دنان میدهند . کارگران تازه  
 وارد بچلت عدم آشنائی با محیط بکارشای سخت گماشته میشوند . بهتر  
 کارگران بچه هستند و افراد مسن همانهایی هستند که از قبل در کارخانه  
 کار میکرده اند . ۸ -- ۷ سال پیش دو همین کارخانه ۱۲ ساعت کار  
 ۳۵ تا ۴۰ ریال مزد داشت . این کارگزاران کرده این کارخانه فایده  
 ندارد ، اصلاً آدم کار یاد نمیگیرد . اگر از کارخانه اخراج شد اصلاً کاری  
 بک نیست که بکند . با این حقوق کم اضافه کار هم ندارد . تعطیلی ما  
 فقط تعطیلات رسمی است که در تقویم معین شده و برای عید نوروز فقط  
 یک روز تعطیلی داریم . در روزهای تعطیلی مزد پرداخت میشود .  
 این کارگری بگفت : ما کارگزاران بیشتر بچه های دهاتی هستیم و زاده برای  
 کار به شهر آمده ایم و اصلاً شهری حاضر نمیشود با روزی ۶ تومان کار کند .

۵. خبری از کارخانه گش همسلا

چندی پیش مهندس سی پاماسی ۱۴۰۰۰ هزار تومان بنام خوشی در کارخانه گش بلا (۱) استخدام میشود. این مهندس سرانجام جوان تازه آمدن است و اما با کارگرها خوب رفتار میکند و بعد از کارگر میرسد و همه سوراخ سپه های کارخانه غذا انجوری و سوراخ و بهداشت و محیط کار و رسیدگی میکند.

درید را بر باد بکتابت انجوری تمام و دوتن از افراد کله گده کارخانه از جمله مد یرضی را اخراج میکند.

سرخ پاک و عوا باید بر کارخانه

بهرورد فرست و ضعیفی که توان کار کردن را از دست داده و پس از این که جوانیش، رون کارخانه سپری شده و عذرش را خواسته و هیچکس بساو کار نمیداد، برای کار بکارگزی میجهد. کارگزی با جوابانی دهد. باراهنمایی کارگری پیش این مهندس میاید و از احوای کارمیشو مهندس خوشی ایراد و باره بکارگزی معزوی کرد ولی کارگزی جوابا میدهد: مد پیرکارنانه میگوید که این را نباید استدام کنیم. مهندس خوشی میگوید: مد پیرکارخانه که خورد و میاید او استندام شود. کیانی رئیس کارگزی ماجرا میاید پیرکارخانه میگوید: مد پیرکارخانه بسا

---

۱ - این کارخانه موزه کارخانه پتروشیمی است. چون بار بار در رسانه های ما شنیده میماند، نامش و مشخصات است.

----- چنگل ----- صفحه ۵۵

عصبانیت میگوید: «دروازه آمده چه غلطها می‌کند» و در همین اثنا می‌آید که بیرون بکارگرنی «دروازه» بامهند سرخوشی برخورد میکند و سپس از مقداری فحش و خجش‌گاری و سوارکسیدن «مدیر کارخانه» می‌گوید: «پاالله بیرون و...» و مهند سرخوشی در جواب می‌گوید: «که خودت خوردی و باید تو بیرون بروی و...» در همین اثنا «بکارگرها» اشاره می‌کند و می‌گوید این مادر فلان را ببیند از بد بیرون «کارگر» با دلد و جان حرفش را می‌پندیرند و می‌چهل نفر در حالیکه <sup>اول</sup> جل می‌دهند از کارخانه بیرونش میکنند «این مد پر آدم بدی بود» بدرد کارگرنان می‌رسد و بیگت تمام کارگرنانیکه استخدام میشوند باید با کوره باشند یعنی نیروی جوانی را از دست ندهد باشند و بکار آنها را بردارم و...»

آخراً مرابا واسطه شدن رئیس کارخانه و استخدام این پسر «مدیر» کارخانه به کارش بر می‌گردد.

### • اختصایات کارگران شرکت نفست

روز پنجشنبه ۲۲/۱۲/۵۲ از طرف شرکت آگهی میشود که ایام عید فقط سه روز تعطیل است چند نفر از کارگران شروع به اعتراض میکنند که چسرا پاداش نمیدهند عیدی نمیدهند «و حتی که تعداد آنها ۱۰ نفر می‌رسد شرکت آنها را بیرون میکند» در محیط کار یکی از کارگران صوتی می‌زند <sup>این</sup> ترتیب بقیه کارگران را خبر میکنند حد و پنج هزار نفر از کارگران جمع شده و یکی برای آنها صحبت میکند و خواستهایشان را در مورد پاداش و چیزهای

د بگریان میکند . همه کارگران دست باعتماد میزنند و مدت سه روز به محل کار میروند ولی کار نمیکنند . روز یکشنبه ۲۶ اسفند شرکت پراپسان سرویس نمیفرستد و آنها در نقطه ای جمع شده و پیاده شروع به حرکت میکنند بعد یک ساواکی برای آنها صحبت میکند که با اعتراض و فحشهای کارگران ساکت میشود . کارگران سپس خواهشهای خود را در پنج ماده نوشته و کتابچه زیر اطلاق میکنند :

- ۱ - ۲۰٪ اضافه حقوق ۲ - سرویس خنم تا دو روزه در نقطه شهر
- ۳ - اضافه دستمزد که در قرارداد برای کارگرانی که در ارتفاع پنج متر بالاتر کار میکنند قید شده است . ۴ - پاداش ۵ - قبل از کار گرسری پنجشنبه یا شنبه را تعطیل میکرد حقوق جمعه را نمیگرفت
- بعد از تعطیل نوروز قرارداد نمایندگی شرکت نفت نطق کرد که کارگران از کار کردن خود داری کردند و نمایندگی شرکت هم نتوانست کاری از پیش ببرد .

« چندی لیل ( قبل از عهد ۵۳ ) پلیسهای شرکت نفت در آبادان دست باعتماد زدند که با اعتماد آنها سرکوب شد . عده ای کتک خوردند و ده ای دستگیر شدند که هنوز آزاد نگردیده اند .

توضیح راجع به پلیسهای شرکت نفت

در حقیقت این عده پلیس نیستند بلکه نگهبان هستند که دارای مرکزی بنام حفاظت میباشند و کار آنها تا آنجائی از تا سیمات شرکت نفت و سائله

----- جنگل ----- صفحه ۵۲

اسکله ها ، پالایشگاه ، کارخانه ها و ... است . هیچگونه دیسید اطلاعاتی و طبیسی ندارند و تساهل کرد . العمل آنها در مواقع خطر ، تلقین کردن باداره حفاظت میباشد . این عده از شره های زحمتگر و محروم کارگران شرکت نفت هستند . حقوق و مزایای آنها کم و مسئولیتشان زیاد است و ساعات کارشان درست مانند کارکنان شرکت نفت میباشد .

\* کارگران پالایشگاه تهران در اوایل خرداد ماه دست از کار کشیده و در سالن اجتماع میمانند . پس از این عمل بنمایندگان کارگران و هیات تعدیره سند پکای کارگران حاضر در محفل همکاری آنها با کارگران ، مورد توجیح و تهدید واقع میشوند . همچنین از آنها عهد گرفته میشود که در انصاف کارگران اخلال نموده آنها را باعث وصحت و روشن کردن عوالب و نفیسم کار آنها مجبور نمایند که به سرکار خود بازگردند . آنها نیز در محل اجتماع کارگران حاضر و یکی از افراد سند پکایم بد الله خسرو شاعی برای آنها صحبت میکند و در ضمن انعام حجت میمانند که تا آخر اسال تغییر در وضع و حقوق کارگران داده نخواهد شد ، ولی باین توجیح و مخالفت کارگران روبرو میشود . پس از این قرار میشود که محرکین و کارگران مورد اعتماد و شناخته شده به ساواک معرفی و بقیه تهدید با خراج شوند .

x-x-x-x-x- اخبار و گزارشات روستائی -x-x-x-x-x-

### گزارش کوتاه از روستای اندکا

روستای اندکا در رنجاه کیلومتری مسجد سلیمان و در فاصله این شهر و کوهسای زردکوه بختیاری واقع شده است . این روستا و سراسر ناحیه دشت اندکا جزه منطقه قشلاقی عشایر بختیاری است . خاک آن حاصلخیز و برای کشاورزی و دامداری بسیار مناسب است . اما با وجود آنکه رود کارون یعنی برآب تهرین رود ایران از حوالی آن میگذرد کشاورزی آن بصورت نیم کاری است و در سالها شیکه باران کافی نباشد عشایر این ناحیه و دامبایشان از قوت لایموت نیز محروم هستند .

از آنجا که این روستا ۶۰ سال اخیر مردود زاد و جوانهای نیکه مسجد سلیمان شهری نروده و از نزدیک شاهد بغارت رفتن و سرانجام بهایان رسیدن ذخایر نفتی این ناحیه از کسیر استعمارزده ایران بود . است . لذا اطلاع از وضع زندگی ساکنین این روستا برای پی بردن به اهمیت غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و انگلیس و همچنین برای مشاهده ثمرات انقلاب سفید مفید و آموزنده خواهد بود .

اندکار میتوان پایگاه روستائی دانست که از دهات اطراف بسیاری خرید و فروش بانه مسجد سلیمان هستند . این روستائیان در اوائل سل

----- جنگل ----- صفحه ۵۴

نورودین و تیل از حرکت بسوی ضائق بیلاتی خود در خوارکوهستانهای  
زردکوه و ناحیه چهارمحال، بختیاری، ابرای مبادله محصولات دامی  
شوند نظیر کسک، روغن، پشم، بادام کوهی و... مانند و چای و  
پارچه برای کهن بیلاتی خود باین شهر حرکت میکنند.

عشایر اهلراند اندک معمولاً با قاضی و زاده های خرن باین روستا می آیند  
و من از تقمید اشرف قاضی و الاغ بارانت خود رابه مسجد سلیمان میرسانند  
و سر از انجام مبادلات و معاملات خود در مراجعت بازوسيله همین قاضی  
و الاغ در شمار چادرهای عشایری یادهاست سه چهارخانواری خود می  
شوند. بسیاری از روستائیان تعمیر محرم که فاند بیل گرایه ماشین هستند  
فالبه فاصله جبل پنجاه کیلومتری دهنات خود راتا مسجد سلیمان با پای  
پیاده و الاغ ها تحیف بارنده از زبان جاده های صعب السبیل کوهستان  
می آیند. این روستائیان در دره میرنود بوی مسجد سلیمان اجباراً  
باید از رودخانه کارون عبور نمایند. مسیر رودخانه کارون در این قسمت  
از کوه های بختیاری بعلمت شیب بسترش نود درای جریان تند و سریع می  
میانند. تا چند سال اخیر روستائیان مجبور بودند خود واحشام و کالا های  
خود را با قایق های کوچک از رودخانه عبور دهند و بسیاری اوقات خصوصاً در  
فصل بهار و طغیان آب رودخانه بواسطه چپ شدن یا آب بردن قایقها  
بسیاری از مردم واحشام آنها تلف میشدند.

در دوره ۶۰ ساله فعالیت شرکت های نفتی غارتگر امریکای انگلیس

## ----- جنگل ----- ملحه ۵۵

در مسجد سلیمان چون در آنطرف رودخانه کارون چاه نفتی نبود و بالتبع  
شرکت نفت دارای شاقعی در آنسوی کارون و در ناحیه دشت اندک نبود  
ازین جهت يك پل معلق آدم رود را بن ناحیه خود داری کرد . و در  
صورتیکه آنجا که برای دست یابی و تجارت چاههای نفت دشت لالی عبور  
از رودخانه کارون لازم میشد در طرف مدت کوتاهی يك پل عظیم و غول  
پیکر فولادی بر روی این رودخانه ایجاد کردند تا مأمور وسائل نقلیه و حمل  
تجهیزات تجارت کردن نفت را بمسئولت و وسعت از روی رودخانه کارون به  
سوی دشت لالی عملی سازند . از پنج سال قبل که ساختمان سدی به  
نام رضانشاه بر روی رودخانه کارون و در ناحیه اندک آغاز کردید ،  
ساختمان پل جاده مسجد سلیمان بمحل سد عملی گردید . البته سابقاً  
جاده در هیچ وادغانه مسجد سلیمان بمحل سد یعنی در ۵ کیلومتری  
شمال شرقی مسجد سلیمان و همچنین پل بزرگی که در مسیر این جاده  
بر روی رودخانه کارون ساخته شده تنها بخاطر وسایط ساختمانی سد  
و حمل و نقل وسائل و تجهیزات سد میباشد ، بلکه در مس  
این پل به بظا همزمانی يك نقشه استعماری و ضد ملی پنهان است ، به  
این معنی که امپریالیسم امریکایی در بختآوری دست نشانده آن در  
ایران برای برقراری امنیت در ناحیه بختیاری و کنترل عناصر و تحکیم سلطه  
نظامی و ضد ملی خود بر مردم محروم و محرومین منطقه تصمیم گرفته اند . در  
مسیر کرج میلان تشریح آنها يك جاده نظامی از مسجد سلیمان باصفهان

ایجاد نمایند . این جاده به بیم ضد ملی و خودکامه ایران را قاد و خواهد ساخت که به سهولت وسرعت به مناطق کوهستانی و حوض العمور و بلال و تشلایق مشایرد است یافته و در صورت بروز شووژش های دهقانی و شایری به سوت پانین - تیره لشکرکشی نماید . هم اکنون نیز با نگاه های نظامی ناحیه ای در منطقه چهارم - ال به تئاری ایجاد شده است . هدف خاتمانه دیگری که در ساختمان این جاده نظامی برای مردم محرم این ناحیه در مورد ارتد اینستکه با اسکان اجباری مشایرد روستاها و محللهائی که در کنار این جاده خواهند ساخت، بتوانند فرهنگ اسارت و استعمار را طبق نقشه در این روستاها پیاده نمایند و رونبه سلحشوری و مقاومت و خصلت های ملی و انسانی را در آنها تزکوب و نابود ساخته و تدریج نیرو کارآنها را در خدمت ضایع سرمایه داری وابسته به بیگانه مورد بهره کشی قرار دهند .

تاکنون پنجاه کیلومتر از این جاده از سمت مسجد سلیمان تا اندکا و حدود ۱۲۰ کیلومتر از سمت شهرکرد بطرف کوه مرنگ و زرد کوه بختیاری ساخته شده است و طول کلی این جاده نظامی ۴۰۰ کیلومتر است .

ناجوسی کامل نشسته های رزم را در مورد منطقه چهارم - ال و بختیاری در همین همانته و چگونگی زندگی و فلاکت مشایرد روستائیان آن راه بحث جد آگانه ای واگذار نموده و مجدداً بسراغ وضعیت روستای اندکا میروم .

این روستا دارای یک پاسگاه و اندامری و چند مغازه و یک دبستان

است • غالب شاکردن این دستان از دهات مجاور میآیند •  
زمینهای زراعتی این ناحیه اغلب ناهموار و سنگلاخی است و شیوه  
کشت آنان دریم کاری است •

مردم این روستا حتی از نظر آب خوردن در حقیقه اند • آب آشامیدنی  
قریه " موشگیری " و چند ده اطراف آن عبارت از چشمه ای است کسه  
آب آن بسیار اندک و نابیزاست • بر سر این چشمه روستائیان هم لبها  
خود را پیشونند و هم آب آشامیدنی بر میدارند •

هر خانه این روستا غالباً شامل دو یا مائتک و یک تکه زمین حیاط مائتسد  
برای تکبید آوری نامها بود • در اطراف عبارت بود از یک چهارم یواری  
از تکه سنگها نه بدون هیچگونه ملاتی بروی هم چیده شده بود • سقف  
آنها از تخته و شاخ و برگ درختان پوئید شده بود •

مانند یک ظهر بود که باین آبادی رسیده بودیم • برای خرید نان  
و تخم مرغ بسراغ پند خانه زسیم • اما همینکه بداخل خانه نگاه کردیم  
باپنشان شناخرد آوری از غلالت و بد بهتی رو برو میشدیم که از برسیدن  
منصرف میشدیم <sup>بالاخره</sup> در خانه پنجم و ششمی بود که پسران یکما هست  
انتظار صاحب آن توانست برای ما بپنشدند و تخم مرغ و منداری نان تهیه  
کند • مرد روستائی که برای ما تخم مرغ و نان تهیه کرد • بود ما را بداخل  
منزلش دعوت کرد و در داخل اطراف خانه اش برایمان گلیسی پهن کرد •  
منظره در آوری از مصیبت و بد بهتی شاه زدگی برد رود یواری این کلهسه

روستائی در هر گنج زوايه آن بهوشم میخورد . در يك گوشه اطالساك  
 منوريك پسر چه؟ چند ماهه در حال خواب بود كه كهنی سر صورتش با انگار  
 از گیسو پنهانده شده بود در گوشه د بگروزی مشغول شمش گیری از سود خستر  
 بچه چند ساله اش بود .

در این روستا و روستاهای اطراف آن از حمام و مستراح خبری نیست و  
 طبق اطهار اراهانو، شاید سال تا سال آبی به بدن آنها نخورد زیرا  
 كه نه نماز میخوانند تا غسل کنند و نه آبی در دسترس دارند تا بدن غسل  
 را؛ متشود هند اگر آبی پیدا شود بزور كفاف آب میخورند آنها را میدهند .

در خانه دیگری ، يك كودك چند ساله از تب مالا را زجر میكشد و  
 ضروف بزرگ بود . پای یکی از روستائیان این قره بصورت چندش آوری  
 وظم شده و هر كس بود . خودش میگفت جانوری نبش زده است .

از دگروسپاه بهداشت اثری نبود . آنها فقط يك بار آمدند بودند آن  
 هم برای بخش قرصهای ضد بارداری ؛ نه مد او و مصالحه بیماران .

در خانه دیگری وقتی از صاحبخانه راجع بوضع زندگیشان پرسیدم  
 میگفت : " اتفاقا در حال مؤتم " گفتم چرا ؟ گفت چند سال پیش از بانك  
 تماؤی مداری پول گرفتیم . سال بعدش نتوانستم سر بورد پرده اخذ  
 نمایم و تا كهن نتوانسته ام هفتصد تومانشان را بپردازم . هفته قبسل  
 جیب بانك آمد اینجا و خاطاره ای بمن داد كه اگر ظرف يكماه اقدام كنی  
 لغزش بخانه وادامه ایتان را طبقه میكس . حال كه من يكشاهی میدم اگر

آب‌انبارید بگویم که در حال موسم آب و دهنبال این گفته اش جمعیه ای از  
اطاق آورد و اخطار به دادگاه را بجانشان داد .

مردم این روستا بخاطر شرایط خاص و دشوار کوهستانی دارای روحیه  
ملحدشوری و بیادب هستند و در این مورد حرکت از افراد نمونه مسلمان  
در استانهای نوازانی از دلاوریهای قهرمانان ضد رژیم در این روستا بخوا  
دارند .

\* از بهار ۱۳۸۰ سال عدّه ای از ما موران وزارت منابع طبیعی و کشاورزی  
وارد هات مختلف گشته و اقدام به سرشناسی دامها و مرغ و خروس نموده اند .  
این مطلب را کیهان نشبه ۲۲/۲۳ نیز تایید نموده و نوشت که برای دامها  
منطقه صومعه سرانسانامه « باد زمینود » یکی از کشاورزان منطقه آستارا  
تعمیر میگرد ، دولت برای سرگوسفند مبلغ ۵۰۰ ریال و مرغ و خروس دامها  
۵۰۰ ریال و نیز برای هر ۱۰۰ عدد تخم مرغ تعداد ۵۰۰ عدد بعنوان مالیات  
در یافت خواهد کرد . از طرف دیگر آنان را تهدید کرده اند که مطلقاً از  
کشتار دام و مرغ و خروس و فروش آنها خودداری نمایند .

\* به روستائیان بهر چگونگی و شمال اخطار کرده اند که از سال آینده حق  
ندارند محصول خود را به افراد و تجار شخصی بفروشند بلکه باید  
کلیه محصولات را به دولت و یا با اجازه و نظارت دولت بفروشند .

-----x=x=x= بیاد جاهد شوی خطی ولسی پور -----x=x=x=

علی ولی پور (۱) در سال ۱۳۳۰ دیده به جهان گشود . کودکی وی در خانواده فقیر روستائی این درده کلوش گذشت . او که نوزدهم دلبر خلق زحمتکش ماست به علت فقر پیش از حد خانواده اش مانند تمام زحمتکشان از امکانات بسیاری از جمله تحصیل محروم ماند . (۲) او کارگرد و هرچه سازی و مونوپرماسازی شد و در عمانجا از یادش به " اوستائی رسید پس از مدتی خانواده لنی برای اقامت به محل دیگری کوچ کردند . او بان آور خانواده شخص ثغری اش بود . در آن موقع پیش از مردن جز برای او مهم بود که برادران و خواهرهایش بتوانند درس بخوانند . اما شرایط سخت فقر و فاقه این اجازه را بآنها نداد . بنا بر این مجبور بود کوشش خود را در وجدان کند . (۳) او مدتی هم در سفرش کرد و سپس با کوله باری از کینه و نفرت نسبت به پلیس مزدور به خدمت کارگاه تراشکاری درآمد و بالاخره در مدت پنج سال توانست یک تراشکارزبردست شود . اولین دفعه حدود پنج سال پیش با افکار سیاسی عده ای که دو کارخانه بودند آشنا شد . او یکی از دستاویز بهترین افراد کارخانه بودند که نسبت باین شهواتی پیدا کردند (گرومی که چند سال پیش صاحبسه تلوزیونی کردند . محمود صادقیان ، موسی رادش ، بهمن ، . . . )

بعثت خیانت این عده از آنها مطلع امید کرد و بعد ادراثر برخورد با یکی از برادران و گذراندن دوره آموزشی و آزمایش او اواسط تابستان ۱۳۵۰ به عضویت سازمان مجاهدین درآمد. دوران فعالیت علی در سازمان، دوران درخشان زندگی اوست. او بلافاصله بعد از عضوگیری منفی شد و بصورت یک مبارز حرفه ای درآمد.

خصلت انقلابی این برادر شهید که در طول دوران شهادت مشتمل بر خود رخنانده اش آموخته بود میتواند برای تمام مجاهدین سرشقی قرار گیرد. او از احساس مسئولیت، عمیق و ششتری زیاد نسبت به توده های رنجبر سرشار بود. بطوریکه با مشاهده رنج و محنت یک زحمتکش به شدت متاثر شده، کینه عمیقتر نسبت به دشمن افزون میگشت. او حتی روی یک دقیقه، یک ریال نیز حساب باز میکرد. وسائل اطاعتش از ۸ تا ۱۰ تومان تجاوز نمیکرد مثلا چراغ خوراک پزی اش را از میدان سید اسماعیل ۳ تومان خرید. بود.

علی از قاطعیت، شجاعت و سهولت یاد ی برخورد او بود که با خصوصیات دیگرش نظیر کدشت و د آثار ی توام شده باعث میشد که همیشه برای انجام کارهای دشوار پیشقدم باشد و هر کجا خطری باشد خود را جلوی پند از یاد و در لحظه آماده شهادت و پذیرش مرگ بود بعد یک مرگ از او فرار میکرد. او در یک آزمایش مواد انفجاری دستش به شدت زخمی شد که ضربه قطع یکی از انگشتانش کردید. در بیمارستان بعثت تزریق مسکن قوی متناوباً

بهوش شده و بهوش میآید • در فواصل بهوش آمدن مرتب نتوان گذران

توفی و باعث حیات جیبهاش بود • •

انگیزه علی نون الدماء روشن و باز بود • پس از یک بیماری کسسه

چهارماه اورد رستورانداخته بود پس از قنای او شهادت و شهادتی شدید •

باور نمیشد دیگر نتواند ادامه راه دهد • اما در آخرین روز چهارم از این

حرف رازد: " غیب جلالا یا باید باید روماد برادران و خواهر فقیر

گرفته ام باشم و یا باید از آنها جدا شوم • ولی مهربان من جدائی

و انتخاب میکنم • بنابراین اسلحه ام کجاست؟ " و وفای خود را به

تحدید ثبات روحیه قوی خود وادانت • او با وجود یک شمراره زندگی

خانواده اش پس از بیوستن او به مجاهدین از دم پاشیده شد مع الوصف

و تنی نفر خواهرش در دهه بی بی باری پدر و مادرش و غمناکشان را به یاد می

آورد • کمک با آنها را که از جمله توده های کثیری از خلق مستعدیده • مستعد

چیز شهادت در راه توده محرم نمیدید و زندگی بره وارد رکنا خانواد

را عظم و خیانت میدانست • " بگذارد خانواد • ام در بد رشوند در آتش

نفر و گرسنگی بیشتر بسوزند اما در عوض خلق برای همیشه نجات یابد • •

جایند ترمید علی ولی پیر استوار و سارت رانه از درون کتابها و

حتی مشاهده • بلکه در طول زندگیش با پوست و گوشت بود لمس کرد •

بود و هنگامیکه با کمک سازمان به آگاهی انقلابی نیز مجهز میشد تحریک

و جوشش شکفت انگری نشان میداد • اوصلت زندگی گذشته اش بقایائی

از روحیه لوهنی هاشگری داشت که در برخورد های جمعی زندگی سازمانی اش که ملزم به نظم و روحیه تشکیلاتی بود، محل شده بود و حتی تبدیل به نقاط قوتی برای او گردیده بود.

جهاهد شهید علی ولی پور صداتی و اثر داشت نهاد پکران نمزوک و بی پرده بود. در ضمن از اشتباهات و اشکالات دیگران نمیگذشت و بی انتقاد میکرد و میگفت: " کسی که ناز پرورده است، کسی که احساس مسئولیتی زیاد ندارد و کسی که در صدد رفع اشکالات خود شریعت جایش در اینجانبست." پکرز علی، پراوری را که ارتباطش قطع شده بود در یک موتور سه چرخه میبند و فاصله زیادی را بدنهال این موتور سه چرخه میدود تا اینکه آنرا سبک چهارراه متوقف میکند.

جهاهد شهید علی ولی پور خدمات درخشانی به تشکیل سازمان انجمن داد و البته خدمت بزرگتر او تاثیر خاص انقلابی در برادران جهاهدش بود، زیرا برای کسانی که با او آشنایی داشتند صفای او، صحبت او و ندادگاری او، نظم و تحرک و شناخت او، نمونه جالب و ارزنده خلق دلبر ماست ...

جهاهد شهید علی ولی پور دارای اعتماد بنفس قابل ملاحظه ای بود. هیچ کاری برای او ناشدنی و محال نبود. در تازی و شروع میکرد به تویی بیابان میرساند و در طی آن تاطعیت و سوسومت عملی او کاملاً مشخص او در کار حزبی را با همان اهمیت کارهای بزرگتر انجام میداد و هیچ اسر

کوچکی از چشم تیز بین او فروگذار نمیشد او همیشه ضایع جمع را از ضایع خود برتر میدانست و در چنین حال بی تکلف روی ادعا بود • از تپل و زنده صفات پرولتری شده بود •

روزی پس از اینکه خبر شهادت برادر مسئولش را شنید • آنچنان غمزه و ولول گشته بود که حدی ندانست و از ته دل میخواست او را بی ماند و خود تر میرفت •

دشمن در مورد شهادت او سکوت کرد و مغافل از آنکه او در دل برادر را و خلقش زنده است • امروز در کارخانه جاده آهنی کارگرانی که صفا و صمیمیت بی راحمر کرده بودند از خودشان میپرسند : چه کسی او را راکت ؟ او برای چه شهید شد ؟ رفتای کارگر که با تاشاق و به خاطر آلام و گرسنگی و فقر با وسائل اختراعیشان ( جنگک های مخصوص ) از صبح امام رضا پول در میآوردند همه این کارها را کنار گذاشته اند و اینک بدنبال اسلحه راه افتاده اند • مردم روستای او از علی انصاریها ساخته اند •

جاهد شهید علی ولی پور <sup>آنچنان</sup> شگفت به دشمن کینه داشت که حدی ندانست • او هیچگاه از قمر زهرش مغافل نمیمانند زیرا هر چه میخواست اسیر دشمن شود • در نرنازبان استعمار آموخته بود که هیچ رابطه جوانمردانه ای بین او و دشمن امکان پذیر نیست • مرجه صحت پاساژ است یا نه • در برخورد خود با دشمن نیز با احتمال زیاد از قمر استفاده

- کرده و در زیر شکرجه های مزدوران ساواک شهید شده است
- خاطره ات را گرامی میدانم و از ایمان قاطع و خلل ناپذیر و ساهیبر صفات انقلابیت درس خواهیم گرفت

پزشکوه باد خاطره شهیدان بخون خفته خلق  
بر فرزانه باد پرچم سرخ انقلاب سلحمانه خلق ایران  
همروز باد مبارزات روحانی بخش خلق ما و ساهیبر  
خلقهای متعدد و جهسمان

• مجاهدین خلستق ایران •

- 
- ۱ - این شهید که برای بهسازی از برادران ناشناخته ماند و در رحدود یکسال پیش در حالی که ارتباط قطع شده بود، بهلتی که بد رستی معلم نگشته است و دستگیر و شهید میشود
  - ۲ - در کودکی تا ششم ابتدائی خواند و بعد از رفرمتهای مناسب در خلال کارطافت فرسا مقداری در سواد آید و داد
  - ۳ - برادرانش نیز ذهنی روشن و روحیه ای قوی داشتند

يك اگر بايك برابرسود . . .

- معلم پسای تخته داد میزد
  - صورتش از خشمم گلگون بود
  - دستانش بیزنوشتن ازگردنم پنهان بود
  - ولی آخر کلاسها ، لواشك بین خود تقسیم میکردند
  - وان یکی در گوشه ای دیگر " جوانان " را ورق میزد
- برای اینکه ببخود های وهوی میکرد و با آن شوروی پایان تساویهای  
جبری را نشان میداد .
- باخطوی خرابانروی تخته که ازظلمت جوقلب تاريك ظالمان . . . و  
غمگین بود

- تساوی را چنین نوشت : که بايك بايك برابرهست
- از همان شاگردان یکی برخاست همیشه بکفر باید بهاخیزد  
بآرامی سخن سرداد : لیکن این تساوی اشتباهی فاحش محض است  
نگاه بچه ها بیکسو با بهت معلم مات برجاماند و او پرسید :
- اگر يك فرد انسان واحد يك بود آیا بازيك بايك برابرسود ؟
- سکوت مد هشی بود و سوالی سخت
- معلم خشکین فریاد زد آری برابرسود

واو با پوزخندی گفت :

اگر يك خرد انسان واحد يك بود

آنكه ز روزوريد امن داشت بالا بود و

آنكه قلبی يك ودستی فاقد زرداشت پائین بود ؟

اگر يك فرد انسان واحد يك بود . . .

آنكه صورتی نقره گون چون خرصمه میداشت بالا بود

وان سیه چرده كه منالید پائین بود ؟

اگر يك فرد انسان واحد يك بود ، این تساوی زهرور میشود .

حال مهرسم اگر يك با يك برابری بود . . .

نان و مال ختخوران از کجا آماده میکردید ؟

یا چه کردید بواج جنهارا بنا میکرد ؟

يك اگر با يك برابری بود . . .

پس كه پشتش ز زیر بار فقر خم میشد ؟

یا كه زیر هرمت شلاق له میگشت ؟

يك اگر با يك برابری بود . . .

پس چه كس آزادگان را در رقت میگرد ؟

.....

معلم ناله سرداد :

بچه ، ماد و جزوه های خویش را بنویسید كه يك با يك برابری نیست .

..... x x x x x = انجمن سازگزاران دانشجوئی = x x x x x .....

### اعتصاب دانشگاه شیراز

شرایط قبلی و ایجاد انگیزه و شروع اعتصاب :

تقریباً مدت چهار سال بود که درد دانشگاه شیراز هیچ عنوان اعتصاب

نخ نداده بود . پلیس و ساواک شیراز یاد از حد خود را مسلط به اوضاع

دانشگاه میدانستند و این اطمینان زیاد مبنی بر د و عامل بود یکی عوامل

زیاد ساواک و دیگری خالی نگه داشتن دانشگاه از عناصر متحرک . از

این رود انشجویان تازه وارد درد دانشگاه که هنوز توانسته بودند روحیات

مبارزه جوانان خود را حفظ کنند ، همیشه پیش از سایرین که تقریباً

افراد مستعد که چندین سال درد دانشگاه تحصیل کرده اند حضور و

هیچان نشان میدادند و پیوسته دنبال فرصت برای ایجاد اعتصاب

بودند . چندین بار توسط عده ای از آنها تصمیم گرفته شد که بمنسوان

پشتیبانی مثلاً از انشجویان تبریز و یا تهران و یا صنعتی دست باعتصاب

بزنند ولی این شعارها بعللی نمیتوانست دانشگاهیان را تحریک نماید .

این علتها عبارتند از : ۱ - نداشتن کادر فعال و متفکر ۲ - کاروان

نبودن افراد موجود ۳ - شرایط احتیاج شدید ۴ - بالا بودن سطح

## فصاد درد دانشگاه \*

عده ای از دانشجویان این دانشگاه از طبقات بالا و خوشگذران و ناسد تا تکیل شده اند. اما بهر حال افراد پرنسور دانشگاه هنوزید نهمال فرصت بودند تا تصاب را شروع کنند. یک هفته قبل از افتتاح جسنزه پیام بدانشجویان وانفجارد رمزگاررد دانشگاه صنعتی ( منتشره از طرف مجاهدین ) به طرز وسیع درد دانشگاه توزیع شده بود و خواندن این جزوه در افراد روح مبارزه جوئی رازباد کرد و آنهایی که منتظر فرصت بودند جان تازه گرفتند و بالاخره دردانشجویان حالت آمادگی ایجاد شد و ضمنا خستگی از اوضاع کلی دانشگاه هم در این امر تاثیر زیادی داشت \*

روز چهارشنبه دانشجویان سال اول برای دریافت نمرات خود به بخشی زبان مراجعه میکنند و محض مشاهده نمرات شروع به ایراد گرفتن میکنند بصحبت از کسی وقت وزیادی دشوال و مشکلی بودنش پیمان میآید در همین شرایط حمله شدیدی به رویه روش صورت میگردد. درگیری بین آنها شروع میشود و ای مفصلا رتیبین بخش رانک میزنند و دیگران شروع شکستن میز و صندلی و شیشه های ساختمان میکنند. در همین اثنا امرگاررد وارد میشود که مورد حمله دانشجویان قرار میگیرد. در همین حال به بخش شمار اتحاد مبارزه، پیروزی و اعتراضاتی علیه بخش زبان مبادرت میکنند. دانشجویان بعد از شکستن تمام شیشه ها و وسایل در ساختمان در محوطه دانشگاه بدیگران پیوسته و همگی شروع

میکند به شمار دادن • در ضمن وقت کامیونهای حامل ژاندارم بطور ناگهانی بدرون دانشگاه رفته و درگیری شدیدی بوجود آمد • طی آن تعداد زیادی از دانشجویان زخمی شدند • ژاندارمها سعی کردند که دانشجویان را متفرق سازند و این کار خود دانشجویان نیز صلاح میدانستند و حرکت ام از دری خارج شدند و باره در خیابانهای اطراف مورد حمله سربازان قرار گرفتند • حتی در بعضی از خیابانهای دوازده دانشگاه نیز چنین وضعیتی رخ داد •

ادامهء اعصاب :

بعد از پورش و خشیانه افراد ژاندارمی و پلیس و متفرق شدن دانشجوئی از محوطه دانشگاه و دانشجویان سوار بر ماشین و طرف خوابگاه باغ ام برآه افتادند • هنوز اعصاب همگانی نشده بود و بیشتر افراد سالهای اول و دوم دانشگاه ادبیات بودند که در اعصاب مستقیمه حالت داشتند بهر حال دانشجویان در خوابگاه باغ ام داخل سلف سرور شده و آنجا را تبدیل بیک محروبه کردند • سرازان که نمیدانست آنها کجا رفته اند و فکرم نمیکرد که دانشجویان در خوابگاه باغ ام شروع کنند به نصرت خوبی پیکر آمد که دانشجویان بین خودشان تقسیم کار کردند و جمع وسائل نقلی و حیوانی برداختند • بعد از چند ساعت که پلیس متوجه شد دانشجویان در باغ ام تجمع کرده اند و باره کامیونهای حامل سربازان و اسبها به باغ ام حمله ور شدند • در این جا درگیری بین آنها شد بدتر بود • دانش

چوپان با وسائلی که تهیه کرده بودند ( مثل آجر و سنگ و خوب ) سر بازار  
 را مورد حمله قرار دادند و توانستند دختر حماد اری را از نگاه در باغ ارم  
 را اشغال کنند و سپهر آنرا به آتش بکشند . در همین وقت کلیه مراکز اشک  
 در هر کجای سر بازار توسط پلیس محاصره شد و این خود يك عامل بسیار خطرناك  
 کننده ای برای دانشجویانی که در تظاهرات دخالتند اشتد شد و آنها  
 را وارد اربد دخالت کرد . بالاخره درگیری در کلیه قسمتها شروع شد . ساواک  
 مرتباً افرادی را که پراکنده گبر میآورد دستگیر میکرد . در درگیری مجسد و  
 درد اشکده ، ادبیات تعداد زیادی از سر بازاران و پلیس جرح شدند و به  
 طور خلاصه این درگیریها در روز طول کشید که طی آن تعدادی دانشجو  
 و سر بازاران بسیار جرح شده به بیمارستان منتقل شدند . در غیر از  
 دانشجویان جرح بنامهای دوشیزه ساداتی و آقای محلاتی در بیمارستان  
 شهید شدند . در همین مدت در روز حدود ۳۵۰ نفر از دانشجویان دست  
 گیر شدند .

کشیدن انتصاب بد اخل مردم و شایعات ساواک :

پلیس در همین چند روز وسیله عواملش شایعاتی را بین مردم پخش  
 کرده بود . در باغ ارم که دانشجویان را مورد حمله قرار داده بودند  
 گفتند که دانشجویان پسر بخوابگاه دانشجویان دختر حمله کردند و با  
 برای تشبیه بانها حمله میکنم . ولی این شایعه در مردم هیچ اثری  
 نداشت . از طرفی بناگفته یکی از سر بازاران زاندارمری بانهاگفته شده

بود که دانشجویان در کتابخانه کلبه فرانسوی آنها ممبران انجمن شدند و محفل اینکار باید مجازات شوند .

پهر حال دانشجویان این بار در سه بیک سلسله تظاهرات شهری زندگی در دانشگاه شیراز میسابقه بود . آنها بصورت اکبب های کوچک درآمد و در بازار بعضی از خیابانهای اصلی شیراز بعنوان کردن شعار " اتحاد مبارزه ، پیروزی " چند ساعت پیاده روی کردند و تقریباً مورد استقبال مردم قرار گرفتند . هر چند که شمار آنها بر آن مردم گفته بود و کسی نمیدانست که منظور شده و چه میخواهد . آنچه در بازار واقعیت بسیار ناسی بود تاگهی با مردم صحبت کنند ولی متأسفانه از آن بصورت گذشتند .

بالاخره نامدتی برنامه این چنین بود تا اینکه پلیس متوجه شد و کنترل کاری تری در شهر برقرار ساخت .

شعبه داد و ستگیرندگان بیش از ۳۵۰ نفر بود از روز سوم شروع بازاد کردن عده ای نمودند و مقاومت های منفی در بین دانشجویان همگانی بود ، مثلاً هیچکس در هیچ قسمتی از دانشگاه ها برای امتحان نرفت ، دانشگاه مهندسی که تقریباً آرام بود و تسلیم کرده بود ، امتحان گرفته خواهد شد دانشجویان به پشتیبانی سایرین از امتحان دادن خود داری نمودند . جریانات ، بعد از تقریباً یک هفته فروکش کرد ، و حادثه جالبی رخ نداد و دانشجویان دستگیر شدند ، یکی بعد از دیگری بجز ۱۶-۱۰ نفر آزاد شدند .

اما ساواک دوباره اقدام بدستگیری و سوزاندنشجویان دانشکده مهندسی کرد و تعداد زندانیان فعلی در حدود ۲۰ نفر است . از جمله کاشانی ، مسئول انجمن اسلامی دانشجویان ، یوسفزاده ، محمدی ، طالعزاده و متدی .

\* واحدی در دانشجوی سال چهارم پلی تکنیک مدتی است که دستگیر شده و ساواک برای کسب همکاری ، وی را تحت فشار قرار داده این فشار از موضعیکه واحدی در سال اول ، برای گرفتن وام بدانشکده مراجعه کرده تاکنون ادامه دارد . یکبار هم یک چک دو هزار تومانی بهخانه اش فرستاده اند که مادی روی قبول نکرده است .

\* روز چهارشنبه ۱۵ خرداد تعدادی اعلامیه دردانشکده های مختلف دانشگاه تبریز پخش شده است .

\* در روز سه شنبه ۲۱ خرداد دانشجویان دانشکده فنی تهران بخاطر دستگیری چهار نفر از رفقای شان اعتصاب کرده مستخدم ساواکی دانشکده را شدیداً آتک میزنند که با آمبولانس اورژانس بیمارستان بروند . این اعتصاب تا مدتی طولانی ادامه داشته است .

\* شب سه خرداد دانشجویان با تکمیل شیشه های سالن

دانشکده ای وارد آن شده و شعارها بی باحرفه، بسیار درشت بطوریکه سراسر دیوار المان را فرا گرفته بودند. نوشته بودند: هیچ که ما مورین مطلع می شویم برای پاک کردن شعارها عده زیادی بکار میگذارند ولی چون همان روزی که دیدار منس از دانشکاه بود روی دیوارها را رنگ میزنند و جلوی آنرا کوری بندند تا کاملاً از نظر مخفی بماند.

\* دانشجویان دانشکده علم در خورد ادماه بدنهال دستگیری  
استان کامپیوتر اعصاب نموده و از شرکت در جلسه امتحان خود داری کرد ما

شعار: \* اخراج کامل گارد مزدور دانشکاهها \*

و شعار: \* قطع کامل هرگونه نفوذ پلیسی در دانشکاهها \*

باید بعنوان اولین و قدماقی ترین ضمون هر درخواست

ممنوعی - سیاسی در دستور بازات دانشجویی این مرحله

تراجیکرد \*

\* نقل از اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۱۸

\* سازمان مجاهدین خلق ایران \*

\*\*\*x=x=x\*\*\* اخبار و گزارشات روحانیت \*\*\*x=x=x\*\*\*

\* حجت الاسلام آقای عبدالله جهادی کرمانشاهی مدتی تحت تشویب و فراری بوده است . در این مدت ماشین ساوان کرمانشاه عمدتاً باید رایسان تعادف میگردد و پشمکات میرسد . در اوائل تیرماه سال یک مجرم وحشیانه بدرسه حجتیه تم آقای جهادی دستگیر و روانه زندان میشوند . اتهام وی فروختن رساله حضرت آیت الله العظمی خمینی بوده است .

\* بناسبت مسافرت اخیر شاه بشهد ، اعلامیه ای شامل نوازشها از کلمات آیت الله العظمی خمینی و جماعت دین در اکثر نقاط شهد منتشر میشود . در این رابطه مزدوران رژیم ، بسیاری از اشخاص با سابقه را بصرف احتمال ، بازداشت و یا تحت پیگرد قرار میدهند . از جمله بمنزل حجت الاسلام آقای محسن دعاگو که اهل تربت حیدریه میباشد مجرم برده و چون ایشان نبیره خانوادہ بیمار را بازداشت میکنند و سرانجام روزنوهین و آزار او را آزاد ساخته و سه رجموی ایشان را بعنوان کرمگان بازداشت میکنند . آقای صادق کشمیری هم در رابطه با همین مورد رشده

باز داشت و مورد شکجه قرار گرفته است .

\* در مسجد جاوید تهران ، نویسنده و گوینده ، متعهد حجت الاسلام  
آقای سیدعلی خامنه ای برای ۱۰ شب سخنرانی دعوت شده بود . مزد روز  
روم از اعتقاد جمال سخنرانی ایشان بشدت جلوگیری بعمل میآورند .  
چندی پیش از آن ، مسجد ایشان در مشهد که پایگاه عناصر <sup>ان</sup> و روشنفکر  
مذهبی است ، تعطیل کرده و هنوز بحالت تعطیل است .

\* حجت الاسلام آقای لاهوتی رامدتی است با تفاق فرزند دانشجوی  
ایشان ، دستگیر زندانی ساخته اند . از جمله شکجه های آنان هتک  
مستمرینی بر اینکه بایستی ایشان ، فرزندشان را با شلاق کتک بزنند  
و چون ایشان از چنین عملی خود داری کرده ، فشارهای بیشتری بر آنان  
وارد آوری .

\* واذا: متعهد آقای گجه ای را برای دو مین بار س از دست سخنرانی  
ارزند ، در رقم ویزد دستگیر و شدت مورد آزار و شکجه قرار داده اند .

\* روحانی پسر و متعهد آقای محمد جعفری رود سرلی که به نویسنده  
شیراز تبعید <sup>شده</sup> بود ، در چهارم شیراز تبعید میکنند و س از مدتی ایشان را از

تبعیدگاه دستگیر و اکنون در زندان تهران بسر میبرند \*

\* حال آیت الله ربانی شیرازی در زندان خوب نیست و مزدوران  
بیم از رسیدگی لازم خودداری میکنند \* ایشان به سه سال زندان محکوم  
شده اند \*

\* روحانی متعهد آقای عبدالجید معاد پخواه \* مدتی است که از  
تبعیدگاه غن کبک تا بورد دستگیر و هم اکنون در زندان قصر تهران بسر میزند

\* منزل آیت الله طالقانی در تهران در محله ره \* شده بد مزدوران  
شاه است و ایشان در منزل خود بصورت نیمه زندانی درآمده اند \*

\* حاجت الاسلام آقای خزایی خراسانی را بازداشت و در زندان بسر  
میبرند \* از اتهام ایشان اطلاعی در دست نیست \*

\* حاجت الاسلام آقای حسن زاده خراسانی و آقای متینی بندها<sup>سی</sup>  
مدتی است که در زندان بسر میبرند \*

===== اخبار و گزارشات =====

\* اخیراً پرسشنامه ای در دو زمینه به معلمان و دبیران مدارس ارائه شده که آنرا پر کنند . بعضی از معلمان این پرسشنامه را از جانب ساواک تلقی کرده اند و برخی تلقی از نپایی جهت اضافه حقوق از آن دارند . ولی بنظر میرسد که چنین پرسشنامه ای مزایای زیاد تری برای ساواک داشته باشد تا موسسات فرهنگی . در واقع از مجموعه سوالات مندرج در پایین پرسشنامه میتوان میزان صرف و انحلال فرهنگیان را در سرمایه داری و میزان وابستگی احتمالی آنان را به بازار در ریاضت و در صورت لزوم آنان را به موقع کنترل کرد . اکنون مضمون سوالات را در زیر میآوریم .

— نام و نام خانوادگی

— تعداد و سن فرزندان و شغل آنان

— درآمد شما و همسرتان چقدر است ؟

— مخارج شما در چه حد و است ؟

- در کجا زندگی میکنید : الف . خانه اجاره ای  
ب . آپارتمان شخصی  
ج . خانه مستقل  
د . منزل اقوام

— ضایع درآمدتان ؟

— با چه وسیله ای محل کارتان رفت و آمد میکنید ؟

- الف . پیاده
- ب . تاکسی
- ج . گریه
- د . ماشین شخصی
- ه . ماشین دوست
- و . اتوبوس

— رفت و آمد محل کار چند راز وقت شما را میگیرد ؟

— تلنزهون ، رادیو ، پنجهال ، اجاق ، ماشین رختشویی ، گاز ،

کولر ، حمام و ... دارید ؟

— کلفت استخدام کردید ؟ حقوق آنان چند است ؟

— اوقات اضافیتان را در کجا چگونه میگذرانید ؟ ورزش ، تفریح ،

کوهنوردی ، مطالعه ( چه نوع مطالعه ؟ ) کلوپ ؟ چه کلوپهایی ؟ خیمه

گلهوزی و ...

— ماهانه چند ریالت اقساط میپردازید ؟

— از مرخصیتان برای چه کارهایی استفاده میکنید ؟

- الف . کار شخصی
- ب . مسافرت
- ج . زیارت
- د . تفریح

\* اخیراً بین افراد ارتشی لیستی مرکب از نام ۲۷۷ کتاب منتشر شده

است که بکادرهای ارتشی ابلاغ شده است که از داشتن و خواندن این

کتابها خود داری و رزند • کتابهایی که در این لیست آمده از این قبیل است : کتابهای مهندسی بازرگان و دکترین مثنی ، مهندسی زمانی ، آل احمد ، محمد سعید ، آیت الله خمینی ، آیت الله طالقانی ، هاشمی رفسنجانی ، هارانی ، محمد بهرنگی ، غلامحسین سعیدی ، بک لندن ، ژان لافیت ، تورکی ، مارکس ، انگلس ، ملنین ، استالین ، مائو ، لئو شائوچی ، رهنمون کتابهایی نظیر الجزایر مردان مجاهد ( حسن صدر ) ، سحری ، ( م - آرم ) ، فراماسیونی ( اسمعیل رانجمن ) ، شیعه گری ( کسروی ) ، مجله اندیشه و هنر و کتابهای مربوط به پستام •

\* گزارش زیر درباره توازی نم انگیزتیل زن و بچه ، ما و خود کسی کار شد تیریزی ، واقع در خیابان مارالان تبریز که انعکاس وسیعی در سراسر ایران پیدا کرد و در حقیقت یک اعتراض مظلومانه و یک عکس العمل نومیدانه در برابر رژیم بود ، میباشد •

از طرف رو ، سایش باین فرد که یک آدم متدین و سرزیر کار شد و در پایه اداره آب و برق تبریز بود گفته میشود که اگر بتواند مدرک سوم متوسطه را بگیرد یک شغل مناسبتر با حقوق مگسوسی با و داده خواهد شد • وی پسرای رهسائی از جنگال نقره ، شبها به تحصیلات خود ادامه میداد ، غافل از این که همین پوست به یکی از نزدیکان جناب رئیس داده شده و در مقابل اعتراض این

فرد رئیس اداره رفتارخسوت آمیزی در پیش میگیرد و فرد ای همان روز استعفانامه<sup>۵</sup> این فرد منظم را بدستش میدهند و او را به بهانه بی نظمی اخراج میکنند. او که بدنبال این خیانت بزرگ و حقور اندک خود را نیز از دست رفته می بیند برای گرفتن حق خویش تمام مقامات متوسل میشود و اولی طبق معمول هیچکس امتیازی با او نمیکند و حتی بدربار هم متوسل نشده نتیجه ای نمیگیرد او آتای، تاسی طباطبائی ( پتی از روحانیو تهریز ) و آتای شریعتمداری در تم نیز متوسل میشود و از طرف آنان کمکهای نیز باو میشود. چند ماه پس از برکناری، نفرونداری این مرد شجول و متدین باج خود میرود و تمام تلاشهای وی در این نه ماه برای رسیدن کردن کارهای نتیجه میماند تا اینکه بالاخره با عسرش تصمیم میگیرند برای رهایی از فشار فقر دستم به زندگی خود و فرزندانش خاتمه دهند و همانطور که همه میدانند از زندگی عسر و جگر گوشگان برپایان میدهند. بدین ترتیب که ساعت  $\frac{1}{4}$  بعد از نیمه شب، اول زلزله را در خواب سر میبرد و بعد فرزندانش را سپس بنوشتن شمار باخون بچه هایش که در گاسه ای جمع کرده بود روی دیوارها تا نظیر ادامه میدهند و حتی از زنانه بدون آنته و از قبالی کاغذنامه خریدند و چند نامه هم با انون میروشند و بعد از نوشتن نامه ها، خود را حلقی آویز میکند. البته تمام این جزئیات را افرادی که نامه های منور را قبل از آمدن پلیس و ماموران ساواک دیدند و خواننده بودند نقل میگردند.

پاسبانی که خود ترا این خانه را دیده بود نقل میکرد که در روی دیوار <sup>شلی</sup> خانه باخون جملاتی نوشته بود که مضمونش این بود: "آریا مهر بخود لاف مزن ماکرمته ایم" ، "آریا مهری بخود لاف مزن ، بپایین که ملت درجه حالی زندگی میکند" ، "از محوستان و همسهران عزیزم تقاضا دارم که از آریا مهر خواهند تا از این تالگاه بدون کد . . . . ."

یکی از خبرنگاران که همان روز واقعه ماوالان ، آنجا بوده میگفت که ماورین ساواک و ولیم شهربانی توی خانه بودند و نسی را راه نمیدادند حتی دختران غیرننگاران را که زورکی وارد شده بودند ، پاکت و توپیس بیرون کردند ، که چرایی اجازه وارد شده اند ، وی اضافه میکند که بعد از پاک کردن دیوارهای خانه اجازه حکمبرداری دادند .

\* مجاهد اسیر ، ابراهیم آخ که از ناحیه گوش ناراحتی پیدا کرده بود ، ( علت ناراحتی بر اثر شکجه ، های ساواک بود ، که پرده گوشش پاره شده ، چرک کرده بود و هرک بروی تمام بدنش اثر گذاشته و حالت درد آوری بصر میبرد ) بر اثر ماندن و تهدید برادران زندانی ، دائر بر احتمال ناب ، زندانبانان مجبور عمل میشوند . گفته میشود بعد از عمل هنوز خونریزیش بند نیامده و حالش خوب نیست .

\* یکی از کارندان بانک بومه بازرگانان که اخیراً محل شده ، و

اداره امور آذربایجان ملی ایران به عهده گرفته است و تعریف میکند :

« علت انحلال بانک عدم توافق مدیرعامل با دستگاه بود (۴) زیرا

وقتی رأی اکثر بایران آمد و میخواست در بانکهای ایران در سرمایه گذاری

شریک شود بدینجهت این بانک پیشنهاد کرد که شریک شود ولی مدیر

عامل نپذیرفت و چرا که اولاً استقلالش را از دست میداد و ثانیاً سود سرشار

آذربایجان را با بنگاری تقسیم میکرد \* این گزارش داده کرد : \* سودی که

مدیرعامل از این بانک برده است ، به حساب استگد لیش هم اینستگاه

خانه ای در زعفرانیه ساخته است که در حدود ۱۸ میلیون تومان خرج

ساختن آن کرده است و فقط در میلیون تومان خرج کجبری آن شده است

خلعوه یک ساختمان است که نغیر ندارد \* پارسی که برادرش از آمریکا

آمد یک سهمی حاصل در آن منزل داد \* گذشته از این زمینهای

زیادی دارد که همه از سود بانک است \*

مدیرعامل برای فرار از مالیات و عوارض هزینه های خنکشی سند سازی

کرده است \* مثلاً ماکه نه دکتر دارم و نه بیمه حتمی و نه بهداشتی دارم

تیباً ۲۰۰ هزار تومان بعنوان هزینه کلنگاری بهداشتی بانک و صورت

داده است \*

محیط زیست : با احتمال زیاد \* محیط زیست \* که ادارای

است تازه تأسیس ، شبیه ای از ساواک است و بدلائل زیر :

اولا یکی از افرادی که میخواست در این اداره استخدام شود همه  
 معلوم که در آئین استخدام معین کرده بودند میبود و هر چه از نوبت او  
 خدمت و سایر موضوعات این شغل میپرسد جواب درستی نمیدادند و میگویند  
 باید ۶ ماه دوره ببینی و در این مدت آخرت به میدهد ماست و بعد از ۶ ماه  
 حقوق زیادی بنماید و اعطای داد • پسر <sup>این</sup> جوان ۱۵ روز در جنگهای شمالی  
 با مظلومان در راه میدیده است و در این مدت روزانه باید با چندین کیلو بار  
 کیلومترها راه را اولی کند بدون اینکه لب بخورد و آب بنزد خلاصه تمنیسات  
 سخت علی بانجا میدادند • روزی در همان پیاده روی یکی از مأمورین  
 بی اختیار میگوید اینجا جایی است که سپاهنگی شاراکرتار ساختیم و  
 بعد بلا ناعلمه پشیمان میشوند و قوا میگردد که این حرف را بازگو نکنند •  
 ثانیا • همین چند روز ادنیورکی از دانشجویان زندانی که آزاد  
 شده بود میگفت • نگران افراد محیط زیست مأمور شکجه شده اند  
 و در کمیته مشغول کار شده اند •

\* شخصی میگفت منی بوس حامل چند نفر که بسوی سپستان می  
 رفت چپ میشوند و مسافران اغلب زخمی میشوند • محل حادثه در نزد یک  
 پل بود • است • از طرف ژاندارمری و ساواک برای معاینه محل میآیند  
 و همه آنها را بسواک میبرند با اینکه زخمی بود • اندودست و پایشان شکسته  
 بود • کتک منملی بانها میزدند و میپرسند که قصد داشتید کجا بروید نام و نشانی

شما همیشه و تیره ... بعضی از آنها که منزلشان در تهران بوده است  
منزلشان را بازاری می کنند چون مورد شکوگی نمی بینند آنها را آزاد می  
کنند .

« یک نفر نقل می کرد که در زمستان گذشته شی می بهمان خیابان سی  
(پارنده امتیاز بنگان ) بودم .

وقتی وارد کاخ و قدم بعد از ای از روسا بودم که توسط آنها بطریق  
دعوت نده بودم . منزلی تشریفاتی مثل کاخ نزار و کسب بود . بعد  
از تشریفات خیلی فصل وارد یک سالن بسیار بزرگ و بطل شدم کسی  
یک رودخانه مصنوعی از وسط آن عبور میکرد و داخل آن ماهیهای رنگارنگ  
و دلفین آن چمن زیبا و گلها ، بسیار رنگارنگ کاشته بودند و کاروان آب  
دسته های مختلف مرکب ام به لیب و لیب از قبیل نوشیدن مشروبات مخمر  
و قمارهای گوناگون زنان زیبای هرزه مشغول بودند . همچنین هم دگی  
رها از هر طرف کسور بودند و من در آن شب دیدم که جعفر اینباد روشسته  
میز قمار و مشروبات سرنوشت مردم را تعیین کرده و کارهای ششای حساس  
سلطنت را بین خود و اقوام خود تقسیم میکنند .

« گفته میشود در یازده اشتباه گفته ( شهربانی ) ۸۰۰ نفر  
زندانی وجود دارد و هنوز با وجود ایشان تمام نشده است . همچنین در

----- جنگل ----- صفحه ۸۶

زند ان قصر حدود ۹۰۰ نفر هستند که ۳۰۰ نفر آنها دارای حکومتیهای  
از سه سال بالا ( تا ابد ) میباشد و در بند های ۴ و ۵ و ۶ هستند .  
۱۰۰ نفر قبیله در بند های ۱ و ۲ و ۳ هستند . در قصر وضع آنها از نظر  
حذا بد نیست ولیکن از لحاظ دیگر چون کتاب و بازرسی های به جا ستندگی  
بعضی میآورند . نیز گفته میشود که میخواهند تمام محکومین را در قسمت  
دیگری از زند ان قصر جای دهند . در ضمن تعداد زندانیان سیاسی  
در خترم اخیرا به ۳۸ نفر رسیده است .

\* حدود او را خرافتند همه نغز از بند سین و ده ای تکمین و  
کارگزاران را در یوتلوی چون ملی اطلاع میدهند که باید بیک ماموریت بسیار  
سری و محرمانه بروند . سپس آنها را به جزای شمالی عراق برد و سپس  
از گرفتن کارتهای شناسائی آنها لباس کردی نشان کرد و در رسمیت  
افراد ی از اردو سه بارزانی به کردستان عراق میفرستند . ماموریت  
اینها نصب یک ایستگاه فرستنده را در یو برای کرد ها بوده که بعدا  
\* را در یو مستقل کردستان \* لقب گرفت . ضمنا چون فکر میکردند اگر  
دستگاه فرستنده مونتاز نشده همراه این ها فرستاده شود در نصب آن  
دچار مشکلاتی میشوند ، دستگاه فرستنده ده کیلواتی چالوس را همراه  
این افراد میفرستند تا آن را در کردستان عراق نصب کنند . پس از خاتمه  
کار از طرف پسر بارزانی ضیانتی بانتهار آنها داده میشود و سپس به همراه

برمیگردند • این افراد راشد پداتمد پد کرده اند که در مورد ما مورثشان  
با هیچکس حرفی نزنند •

\* چندی قبل طی يك معامله كوچك شخصی بنام روح الله فرمودند  
مقداری زمین به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان از شاه خریده است که سفته عايش  
بهتر از ۲۰۰ هزار تومان شمرده شده است •

سناد و اسرار ما ما در عصر شکر هفتد انقلاب خلقها  
بسر میبریم • شاید خیلیها بائند که شکوه عظمت دوران ما  
در آن زندگی میکم نتوانند درک کنند هتوانند سرود شورانگیز  
راکه در سراسر جهان هدر کوه و دشت و شهر باطنین گلوه دای  
سرخ انقلاب چون همرا می میشود بشنوند • ماد و صری بر سر میبریم  
که قویترین دشمن بشریت را با خفت به لانه اش میفرستد • ما  
در عصری زندگی میکم که اراده خلقها همه سلاحهای اهریض  
این دشمن ناپاک بشریت را بسخره گرفته است •  
رها رضائیس بر از راه ای بهادرش

\*\*\*\*\*  
برنامه مرحله ای نواز طرف \* جبهه خلق برای آزادی  
عنان \* ساد رنده و درین تجربه \* مدای انقلاب ارگان  
این جبهه مرحله ۱۰ اوت ۱۹۷۴ منتشر شده است  
این برنامه مرحله ای پس از کنگره اخیر جبهه و پس از  
تصمیمات همی که در آن اتخاذ شد تهیه شده است  
پارزین تصمیم کنگره متمرکز و جبهه پیشروی آزادی و  
تغییر بنام جبهه از \* جبهه خلق برای آزادی عیان و  
خلق عری \* به \* جبهه خلق برای آزادی عیان  
\*\*\*\*\*

### ۱ - درباره مبارزات خلق ما و اوضاع جاری

خلق ما تا کنون در طول تاریخ ماورائی خود مورد لشکر کشیها و حمله های  
اندخالیگانه نژادان بیگانه ترارگشته است، ولیکن پیوسته دانسته است  
که چگونه در مقابل این تجاوزگران طاقت کرده و همین مارا از سر آنها  
خلاص سازد \*

خلق ما با آزادی و اقتدار از بد بزرگترین اهمیت و سلطه بیگانه  
معروف همگان است \* پیوسته خلق ما از همه متاثر باطمینان و  
تجاوزگران برآید و در راه ناپودی آنها حفظ استقلال همین نژاد  
نژادانی داده است \*

خلق مابسیه، پانشارش برای استقلال و حق حاکمیت خویش، توانست که سهم بزرگی از خاک میهن را که به چنگه های استعمارگران و مهاجمین آورده نشده بود حفظ کرده و از آنها پایگانهائی بر ضد اشغالگران بهنگانه و مزدوران آنها در صفت بنا سازد.

در طول قرن ۱۹ هجری، ما چندین بار برای رفائی وطن به حملات بزرگ و متحدی دست زدیم، همچنانکه قرن بیستم نیز شاهد حماسه های قهرمانی خلق مادر سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ و در سالهای پس از اشغال جبل الاخضر، بیله انگلیسیها بوده است، که در آنجا مقاومت همگانی و توده ای مردم ما برای سالها ادامه داشت.

خاندان مزدور و بیوسعه خیمت خویش را و آماج گش را برای اعضای قرار داد اشغال کشور یادشنان میهن و کمن بانگلیسیها در هجومهای خصمانه بوطیه خلق همان اعلام داشته است. تاجانیکه در کلیه هجومهای نظامی و حشمانه انگلیسیها بوطیه مقاومت خلق عمان بر قبری "قواسم" در سالهای ۱۸۰۵ تا ۱۸۲۰ شرکت داشته و ثابت نموده است که ششمین بارکش خویشی برای اشغالگران بوده و دشمن اصلی خلق عمان و آرمانهای اود در حفظ استقلال و حاکمیتش میباشد. و هر بار که خلق بوطیه این فریاد قیام کرده و بر ضد آن دست به سلاح برده تا میهن را از لوث وجودش پاک سازد، این خاندان دست بدامن اربابان انگلیسی اش شده تا او را در برابر خشم خلق حمایت نمایند. و در هجومی که بر قبری انگلیسیها

رای اشنال جبل الاخضر و انضمام آن به زمین مزد و مسقط در سال ۱۹۵۰  
صورت گرفت طبعاً کارهای انگلیسها با ضایع خاندان موسعید برای ادامه  
سلطنتان بر خلق یکی گردید \*

از آن هنگام که قرارداد ۱۷۹۸ بین انگلیسها و حکومت مزد و مسقط  
عناء گردید و از آن هنگام که انگلستان نفوذ خود را در سراسر منطقه خلیج  
کسترش داد همواره کوشید و است خلق عمان را ببردگی کشید و وحشیانه  
سیاستهای سرکوب و ظلم و استثمار را مورد آن اعمال آید و همچنین  
انگلیسها کوشید و اندک کثیرانی و بازرگانی و صنایع محلی عمانی را بنا بر روی  
شاید و اقتصاد آنرا در هم بپزند و بدین ترتیب همان در یک عقب ماندگسی  
نعمه جانانه باقی ماند \*

خلق ما خلق عمان با اصلیت و جاهل و بطلیه حجم امیرالیم انگلستان  
بر سرزمینش ابدادگی نمود و تبیل از آن نیز با عمان شجاعت و مقابل حجم  
ستعمار پرتغال و هلند و لشکر کشی ایران که در قرن ۱۸ صورت گرفت مقاومت  
نرد و در این مقاومت فرمانان هزاران شهید داد \*

پس از یک سلسله تجارب مبارزاتی طولانی مقاومت در برابر اشغال بیگانه  
باز خلال در سهای بزرگ تاریخی که خلق ما از این تجارب و نقاط مثبت و  
نهی آن آموخته است و توده عمان راه جنگ دراز مدت خلق را بگشاید و  
در روز ۹ ژوئن ۱۹۶۵ پیمودن این راه را آغاز نمود \*

استعمار انگلیس دشمن اصلی خلق ما است و همان حسابش بر سر

منطقه خلیج استکه انگلیس برای دست یابی بر آن به منظور ایجاد خطوط ارتباطی به هند گشوده است بر آن تسلط یابد .

پس از چربان نفت در منطقه خلیج دستگیرند با راستعمار انگلیس بر سر عمان افزوده شد تا جائیکه قرارداد های سیاسی و نظامی بیشتری را تبدیل کرد و کشور ما را بیل مستعمره کامل انگلیس تبدیل نمود و پانگانه های پراکنده در رهبریه زیست الفلاح و صلاله و نوره تبدیل به عامل خطرناک و تهدید بسند کنند. علیه همین ما و برای همه منطقه خلیج همی کرد بدند .

استعمار انگلستان از خانواده مزد و راهبوس خود سرپوشی برای همه نقشه های خویش ساخته تا بوسیله این عامل مزد و روحانی همه امور داخلی و خارجی را از طریق آن اجرا کند و همه سیاستهای جنایتکارانه خود را بر علیه خلق ما بوسیله آن عملی نماید . با سرازیر شدن نفت و طعمکارهای همه دستهای امپریالیستو و در رأس همه آنها ایالات متحده آمریکا بر کشور ما انگار گشته بطوریکه آمریکا تنها یکی پس از دیگری مواضع انگلیسها را انضالی نمودند و آمریکا نقشه تسلط بر این منطقه و همچنین ایجاد زیرمعماری قوی سرکوب خلقی مثل ایران را ریخت تا از آنها در ضربه زدن به جنبش آزادیبخش ملل و توسعه نفوذ امپریالیستهای جدید بر خلق ما استفاده نماید .

انگلستان با تمام امکانات خویش برای حفظ عمان و باقی نگه داشتن سلطه سیاسی و نظامی و اعتماد پیش بر آن میکوشد . و در مقابل با تحریکات

مظیمی که منطقه شاهد آن بود و همچنین در برابر افزایش فعالیت‌های  
 جنبش آزاد بهمن ملی و انقلاب سلطانه در استان جنوبی عمان و انگلیس  
 تصمیم را به عقب نشینی از منطقه خلیج عربی اعلام داشت تا بتواند نیرو  
 خویش را در منطقه عمان متمرکز کند و وجود خویش را در این منطقه حفظ  
 کند. و برای این منظور به عقد قرارداد ای با آمریکا بهیمنی براد اسم  
 تسلط انگلیسها بر منطقه و همچنین طرح ای خصمانه مشترکی برای مقابله  
 با انقلاب خلق عمان و زمین ضائع مشترک امپریالیست‌ها مبادرت نمود.  
 از کودتای انگلیسی سال ۱۹۷۰ که طی آن قاپوس حکومت رسانده  
 شد تاکنون، کلیه تشکیلات ستوطرح‌هایی یکی پس از دیگری برای کتک  
 بانگلیس‌ها در مقابله با انقلاب و اجرای اصلاحات شخصی در کشور منظور  
 برآکنده کردن پایگاه توده ای انقلاب و گرفتن انگیزه های انقلاب مسی  
 ریزند.

بدین ترتیب کسور ماتحت تسلط مستقیم انگلیسها و رژیم مزد و قاپوس  
 شاهد دخالت‌های روز افزون بهگانگان در امور خلق ما و با خیال کردن استقلال  
 و حق حاکمیت میهن بوده است. میل نیروهای انگلیسی و ارتش‌های  
 مزد و برای سرکوب انقلاب سلطانه و جنبش توده ای سران پرگشت و تناس  
 امنیت امپریالیست‌ها را بر خلق عمان بزور تحمیل نمایند و زمانی که همه  
 این روشها با شکست مواجه گردید و همراه با آن کلیه شیوه های خدمت  
 ضروتک نیز از تحقیق رساندن در مدنی عاجز ماندند و طبق نقشه ای که

پیمان سنتو رفته است و کارشناسان آمریکائی و انگلیسی بر اجرای آن نظارت دارند و ارتش ایران برای سرکوب انقلاب خلق ما و تحمیل تسلط امپریالیسم یومانی و انضمام آن به امپراطوری ایران در خاک عمان پیاده شد .

استعمارگران انگلیسی همت بد پشتیبانی مستعد که خلق ما هم اکنون از آن رنج میکند . آنها همچنان از پایگاههای نظامی خود برای حملات هممانه بولیه خلق ما در مناطق آزاد شده استفاده میکنند . هم چنین آنان از موضعینهایی که کارشناسان و مستشارانشان پرده موسسات نظامی و سیاسی واقعه ادی کشور دارند برای حفظ منافع همه امپریالیستها استفاده میکنند .

امپریالیسم آمریکا این دشمن اول و اصلی، خلقها و اکنون برای افزایش دخالتش در عمان میکوشد و این کوشش در تحت سرپوش وجود انگلیسها و حمایتی کامل با آن در طرح نقشه های جنایتکارانه برای سرکوب انقلاب سلطانه و تسلط کامل بر سرزمینهای عمانی انجام میدهد .

پس از اینکه بر امپریالیستهای امریکائی ناتوانی انگلیستان در مقابله

با انقلاب سلطانه و پهلوان رسانیدن آن آشکار شد ، و همه شیوه های

انگلیسها در مقابله با مپهون پرستان عمانی هفتم ماند ، هم اکنون میکوشند

که جاباها<sup>۱</sup> برای خویش در کشور بید کرده و میراث خواری وجود انگلیسها

کردند . آنها میترسند که آتش انقلاب گسترش یافته و منافع آنان در منطقه

خلیج و تنزیره را بنا بودی کشاند . و با تمام امکانات خویش میکوشند تا ایران بتواند سلطه و نفوذ خویش را بر همه منطقه خلیج تحمیل کرده و همان راه یکی از وابسته های امپراطور شاهنشاهی تبدیل سازد . و همین جهت است که آنان <sup>معتاد</sup> بر <sup>بسی</sup> از سلاح های مدرن خویش راه مزد وراثشان در تهران میدهند تا آنان نقش زانند ارضی را در منطقه بجهتد بگیرند .

ارتجاع ایران ، این مزد و راهبرالیسم امریکایی را نگاه درجه اول آن در این منطقه و خواستار تسلط بر کشور ما و استفاده از خاک ما برای حمایت شافع اربابان امپریالیست خویش و اجرای نقشه های آنها میباشد . در طول سالهای گذشته ارتجاع ایران دلائلی یکی پس از دیگری بر طمعمکار <sup>پای</sup> توسعه طلبانه خویش در منطقه عرضه داشته است .

در سال ۱۹۷۱ جزایر عمانی ابوموسی، وطنب بزرگ و کوچک را اشغال کرد . همچنین قبل از آن جزایر عمانی دیگری را مثل مهری و غیره را که از جزایر دهانه خلیج میباشند اشغال نمود و تعداد کثیری از کارشناسان و افسران و تجهیزات نظامی را برای رژیم مزد ور مستط فراهم داشت و هم اکنون ایران بصورت آشکاری، بشکرگسی بحمان پرداخته و تعداد معتاد <sup>بسی</sup> از نیروهای ایرانی مسلح بدون ترس سلاحها برای ضربه زدن با انقلاب و آماده کردن زمینه برای انضمام اراضی بیشتری از کشورهای عربی به ایران وارد عمان شده اند .

خطر توسعه طلبی ایران و آشکرگسی ایران تنها جهت مهمی تا ماخلق

عرب‌عمانو. ماراتهد پد نمیکبد بلکه همچنن شمه شخته خلیج و آینه جنبش آزاد ببخش ملی عربی راد رسراسر جزیره عربی و عراق تهد پد مینماید .  
ایران نه تهمانقشر ژاندارمی ضائع امیرالمهم آمریکاد رضطقه خلیج رابحده دارد بلکه همچنن میخواست که به طمعکارهای توسعه طلبانه خویش رگد. شوش نفوذ شرد تمام ضائق مجاور و انضمام قسمتهای بیشتری از خاک عربی به امپراطوری شاه مزد و رضاعه عمل بیوماند .

درست در وقتی که شاه هرروزه در سیاست داخلش بظلم و ستم و سسر کوب خلق ایران و نابودی نیروهای ملی دموکراتهد آن میبرد از ده دستا خارجه رخم اکنون باشغال خاک خلق عمان و کتار ملهین عمانی و ازین بردن و سوزاندن دهکده ها و مزارع عمانی در استان جنوبی عمان پردا است . و مسلم این سیاست مانع از تکرار چنین عملی در در زمان و در هر قسمت دیگری از عمان و خلیج و با جزیره العربی برای تحقق طمع توسعه طلبی رژیم شاهنشاهی و اجراء خواستههای اربابان امیرالمهمش در سرکوب جنبش آزاد ببخش ملی عربی و حمایت از ضائع امیرالمهم در هر جزه دیگری از این منطقه نیست .

خانواده مزد و روسعه دشمن اصلی خلق عمانند و در زمان این خانواده که ظلم و ستم بر خلق عمانی مارواد داشته و سرزمینهای آنرا به مهاجمین تسلیم کرده است ه قابور مزد و قرارداد ارد که در نمای عمان راپروی دخالتهای بیشتر یگانه باز کرده و سرانجام کسی راجز طمعکاران ایرانی برای طلب

یاری از ارتش آن برای انضام عمان و ( پایمال کردن ) خلق آن نیافته است .

این روز ناگهون ضاطعی را کاملاً تسلیم مد اخله کران ایرانی کرده است، وهم اکنون همه گزیده امتیازات و تسهیلات راد را در اختیار آنان قرار میدهد و هر روز از سهم بیشتری از سرزمین های وطن بخلع آنان چشم میپوشد و دست آنان راد ریهازی گرفتن سرزوش مردم باز میکند . کار این رژیم در ستاری مستعمله توده های خلق الهیانت در رشون مبین با نجاگشیده که خاک مبین را هیچ کزنده تسهیلی از آنرا بزم ایران بخشیده و موافقت کرده است که نیروهای تجاوزگرای ایرانی بر خاک عمان تسلط یابند .

مبارزه عادلانه خلق ما بولیه و جرد بیگانگان و تجاوز رژیم ایران به هیچوجه از مبارزه بولیه حکومت خانواده دست نشانده بوسعید که نگار آن از همپانتهای او فدا کردن ممانع مبین ما و خلق ما لبریز است جدائی پد بر نمیباشد .

## ۲ - درباره ضرورت گسترش جبهه متحد ملی

مسئله آزادی عمان از تسلط امپریالیستها و مد اخله کران نظامی ایرانی و هم پیمان آنها رژیم مزد و زآل بوسعید مسئولیتست بگردن هر فرد عمانی که میهنش همان راد وست داشته و نسبت به حق حاکمیت و ضائع خلق خویش احساس مسئولیت میکند .

برمه هموطنان شریفمانی در داخل و خارج ، مردان و زنان واجبست که بیشتر از هر زمان دیگری برای مقابله با خطری که همگسی آنان را تهدید میکند و برای رهائی عمان از دست اشغالگران و تجاوزگران بیگانه و خانواده خائن آل بوسعید و قبیله مزدورانی که در رکاب آنان هستند با یکدیگر متحد شوند .

دفاع از سرزمین عمان و خلق عمان در برابر استعمارگران انگلیسی و تجاوزگران ایرانی و مزدوران آنها ، رژیم حاکم سقط و نه تسلیحاتی همه عمانیهاست بلکه وظیفه مقدسی است بگردن همه آنان و برمه انفراد خلق عمان است که برای انجام این وظیفه مقدس و نجات میهنشان از اشغال و باره باره شدن و خرابی و برای ساختن یک عمان مستقل متحد و موکراتیک متحد شوند .

بخواهر بیرون راندن استعمارگران انگلیسی و نابودی تجاوزگران ایرانی و سرنگونی حکومت خانواد و مزدوران آل بوسعید ، قیام خلق عمان و یکی کردن و پیوستن همه نیروها و شخصیتها و طبقات ملی و هرکسی که در سرنگونی حکومت اشغالگران و مزدوران نفیسی دارد ضروریست . و لازم است که همه این کوششها در جهت یک مقاومت توده ای همه جانبه و متحد بر علیه دشمنان خلق و میهن بکار رود . چیمه متحد ملی که مرحله فعلی مبارزه آنها را ایجاد می نماید ، چیمه است برای همه یمنانی مبارزاتی بین کلیه طبقات ملی و نیروها و شخصیتهای ملی درون خلق .

ایجاد چنین چپه ای امروز وظیفه ضروری تاریخی است که بیشتر  
از هزبان دیگری برگردن همه خلق با قرارداد و ضرورتی است که برای  
شکست دشمنان خلق و نجات شرف ملی گریزی از آن نیست .

۲ - درباره شیوه ها و وسیله های مبارزه ملی

در مقابله با امپریالیسم انگلستان و مداخله گران نظامی ایرانی و  
نوع مزد و رآل بوسعید و در برابر انقلاب عثمان راهی جز این وجود ندارد  
که انقلابی توده ای و گسترده بوده و منبع اصلی آن توده های خلق که  
در هر اجتماعی سازنده تاریخ و تمدن و در آئین هر انقلاب حقیقی ای  
میباشند ، باشد .

برای مقابله با چنین دشمنانی و مخاطراتی نابودی نهایی آنها  
و نجات عثمان است که این انقلاب انقلابی دراز مدت بوده و استرا  
تاکتیکی های سیاسی و نظامی اثر مثبتی بر همین اصل باشد .

در مقابله با چنین دشمنانی و مخاطراتی نابودی نهایی آنان و برای  
انقلاب عثمان چاره ای نیست جز اینکه انقلابی مسلحانه باشد و ششم  
انقلابی خلق را برای از بین بردن خشم امپریالیست ها و تجاوزگران و  
مزدوران محلی آنها بکارگیرد .

بدون این قهر و بدون اقدام برای نابودی و دردم کوبیدن نیروها  
دشمنان و وسائل سرکوب آنان ، خلق هرگز به خارج کردن قدرت سیاسی  
از دست دشمنان و نجات میهن دست نخواهد یافت .

----- جنگل ----- صفحه ۹۹

شکی نیست که دشمنان از لحاظ داشتن وسائل سرکوب بر خلق عقب مانده و مستکمیده و بی سلاح مابرتری دارند و لکن این برتری بدون شک برتری موقتی است و ما با کوشش و پیگیری خلق در مبارزه دراز مدت بر آن غالب شده ناپوش خواهم کرد .

جنگه توده ای دراز مدت خلق راهیست که ما میتوانیم از طریق آن اثرات نیروهای دشمن را خنثی کرده و نیروهای موقتی اش را به ضعف تا درجی ضعف موقت خویش را به نیروهای روز افزون تبدیل سازیم .  
تاکید مابریختن مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی و استراتژیک مبارزه ملی و همچنین بر ضرورت بکارگرفتن قهر و خاطر خنثی کردن نیرو دشمنان و تسلط قدرت سیاسی از آنان ، به پیروجه یعنی چشم پوشی با اشکال دیگر مبارزه نیست .

اگر شکلهای متعدد دیگر مبارزه ، مبارزه مسلحانه را پشتیبانی نکنند مبارزه مسلحانه ممکن نیست به پیروزی برسد . و در مبارزه خلق عمان است که از همه اشکال مبارزه بطور همزمان استفاده کند ، بطوریکه شکلهای دیگر مبارزه را در اجرای مبارزه مسلحانه و بعنوان پشتیبان آن و منظور نزدیک کردن لحظه رهائی ملی و تحقق پیروزی جهت دهد .

۴ - وظایف و هدفهای انقلاب

خلق عمان بخاطر اهد اف ملو، قانونی برای حق تعیین سرنوشت

و با برجاساختن حق حاکمیت خویش بر وطن مبارزه میکند . خلق ما بخاطر رسیدن به یک دموکراسی واقعی که در خدمت اکثریت قریب با اتفاق خلق

همان است و نه بخاطر دموکراسی متعفن قاپوس وانگلیسها یعنی دموکراسی  
مزدوران و دیکتاتوری و تروروسیم مبارزه میکند \*

خلق ما، سالیان دراز برای تحقق هدفهای زیرمبارزه کرده و  
همچنان بمبارزه خویش و با استفاده از همه امکانات برای تحقق این  
هدفها ادامه خواهد داد :

اول - آزادی عمان از هرگونه اشغال و استعمار و تحقق رسانیدن  
استقلال و بدین جهت خواستاریم که :

۱ - همه قراردادها و توافقهای ملنی و غیرملنی که با انگلستان یا  
دول امپریالیستی دیگر بسته شده ملغی شود \*

۲ - همه پایگاههای انگلیسی، آمریکائی و ایرانی از سراسر خاک  
و جزایر اشغالی عمان برچیده شوند \*

۳ - همه نیروهای انگلیسی و ایرانی و مستشاران و افسران  
بیگانه از عمان بیرون رانده شوند \*

دوم - برپاداشتن حکومت ملی دموکراتیک از طریق :

۱ - خاتمه دادن بحکومت هشیره ای سلطنتی یعنی بحکومت  
مروزی خانوادہ مزدور آل ابوسعید \*

۲ - برپاداشتن جمهوری دموکراتیک خلق یعنی بحکومت وهم  
پیمانی همه نیروهای ملی و دموکراتیک، خلق عمان \*

۳ - برپاداشتن مجلس قانونگذاری منتخب مردم بر پایه دموکراسی

----- چنگل ----- صفحه ۱۰۱

صحیح طیبی مجلس قانون اساسی متوقف را برای کشور وضع خواهد کرد .  
سوم - - - - - تضمن همه گونه آزاد بهای سیاسی و دموکراتیک برای خلق  
از طریق :

۱ - آزادی همه زندانیان سیاسی و از بین بردن همه سازمانهای  
جاسوسی انگلیسی ، آمریکائی و ایرانی از کشور برقراری آراش و امنیت  
برای هم میهنان .

۲ - الغاء حکومت نظامی تحمیلی بر بخشی مہمی از کشور و الغاء <sup>نیستی</sup> قوا  
که آزادی هم میهنان را در وقت آمدن در شهرها و بین روستاها محدود می  
کند .

۳ - اجازه بازگشت بکشور برای همه عناصر ملی که به خاطر فعالیتهای  
هداشغالگرانه و ضد رفہ مزد و رازکشور بیرون رانده شده اند و تضمن همه  
گونه حقوق سیاسی برای آنان .

۴ - آزادی مطبوعات و اجتماعات و آراء برای همه مردم میهن پرست  
هائی .

چهارم - - - - - برقراری از یک سیاست اقتصادی سالمی که تضمن تسلط  
خلق بر ثروتهايش و تصرف در آنها برای هدفهای توسعه ملی هر چه  
باشد و بدین منظور ضروریست :

۱ - ملی کردن شرکتهای نفت برای تحقق حق حاکمیت خالص  
بر آنها و الغاء همه امتیازات ظالمانه ای که حکام خیانت پیشه در ایمن

----- جنگل ----- صفحه ۱۰۲

زمینه احداث کرده اند . در اختیار گرفتن این ثروت ملی برای ساختن يك اقتصاد ملی مستقل - اقتصادی که در خدمت خلق ما و همگی خلق عرب و منابع انسانی بوده از ثروت و بازوهای شرکت‌های نفتی که سودهای کلانی بحساب خلق ما بجهت میریزند و باقی‌ماندهای بین المللی بازی میکنند بدور باشد .

۲ - بر اساس ساختن صنایع ملی نیرومندی که همه ثروت‌های طبیعی عظیم کشور ما را بخدمت گیرد و قدم و آگذاری آنها با شرکت‌های خارجی که آن را استخراج کرده و بر حسب منابع انحصارات بنگانه و منفعت ناچیزی که به حکام خائن محلی میدهند بفروش میرسانند .

۳ - بر اساس ساختن يك بانک دولتی و ملی کردن همه بانک‌های بنگانه که بر اقتصاد ملی ما حکومت میکنند و تسلط بر شرکت‌های بومه بنگانه .

۴ - گذرش مبادلات بین عمان و همه دولتها تیکه استقلال و حق حاکمیت خلق عمان بر زمین خویش را محترم بشمارند ، بر مبنای اصل برابری و سود مقابل .

۵ - توسعه ثروت ما به‌گیری و ثروت‌های حیوانی و بر اساس ساختن صنایع وابسته بان .

پنجم - آزادی دهقانان از روابط فئودالی و روابط عقب مانده و پیشگیری سیاست کشاورزی سالس که از سطح زندگی دهقانان نتیجه شده و در خدمت اقتصاد ملی باشد . باین خاطر ضروریست که :

۱ - قانونی بر اصلاحات ارضی که همه دهقانان را از زمین بهره مند گرداند وضع شود و شعار "زمین از آن کسی است که آنرا میکارد" به اجرا درآید. در این مورد از میان بردن هرگونه تبعیض قبیله‌ای پانزادی و غیره ... بین دهقانان.

۲ - صادره همه زمینهاییکه به شرکتهای خارجی واگذار گردان بیگانه داده شده است و توزیع این زمین ها بین دهقانان.

۳ - بهبود زمینهای که تاکنون گشت نشده است و توزیع آنها در بین دهقانان و برابری از آبهای زیرزمینی و تکامل دادن سیستم آبیاری در کشور و حمایت از زمینهای زراعتی در برابر سیل و حوادث طبیعی.

۴ - تشویق دهقانان به تشکیل تعاونیها و کمک پانهاد زمینها پذیر و کفول و مسائل کشاورزی.

۵ - کمک به دهقانان برای اقدام به تولید کشاورزی و قدرت استفا از نیروهای مدین در کشاورزی و فروش تولیدات کشاورزی.

۶ - آزادی دهقانان از استوارگران و مهر دلالان و تاسیس بانک کشاورزی که کار آن قرض دادن بد دهقانان بدون بهره و با بهره های ناچیز خواهد بود.

۷ - توسعه و تشویق مبادلات بازرگانی بین شهرها و روستا و وجود آوردن خدمات اجتماعی برای هموطنان در روستا و در مناطق دور افتاده ششم - وضع قوانینی برای تضمین حقوق کارگران و کارندان و بالا

رفتن سطح زندگی آنان و بدین منظور:

- ۱ - الغاء قانون کاراستعماری که رژیم مزد و آفات تحمل کرده است. وضع قانون کارمترقی ای که ضامن حقوق کارگران و کارندان بوده و در وضع این قانون نمایندگان آنان شرکت داشته باشند .
  - ۲ - اجازه دادن بکارگران و کارندان به تشکیل سند پکاسا و اتحادیه های کارگری برای دفاع از حقوق خویش و دادن حق امتیاز به آنان .
  - ۳ - شرکت دادن کارگران در اداره شرکتها و موسسات و کارخانه ها از طریق نمایندگان انتخابی آنها در اداراتشان .
  - ۴ - تاسیس هنرستانهایی برای آموزش حرفه ها و مجبور کردن مقاطعه کاران و شرکتها با استخدام کارگران و تعلیم آنها و آموزش عملی آنان برای کارهای بهتر .
  - ۵ - بیه های اجتماعی و پزشکی برای کارگران و کارندان و خانواده های آنها و بدین وسیله تبعیض قبیله ای یا نژادی و غیره . . . .
  - ۶ - مبارزه با بیکاری و ایجاد زندگی شرافتمندانه برای همه هموطنان و آمان کردن شرایط برای همه عمانیها برای بازگشت به وطنشان و بدست آوردن کار و احترامه که آنان جویون مهاجرت نبوده و آنان را در کشور در اقدام با آبادانی کشورشان یاری رسانند .
- ختم - رسیدگی و توجه با رضاع اجتماعی خلق در همه زمینه ها از

صندوق :

- ۱ - الغاء همه موانع و توائف ظالمانه ای که بین هموطنان ما بر اساس نژاد و طائفه تری و یا اجتماعی تری مینماید.
- ۲ - برابری زن با مرد در تمام حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و گذاشتن همه گونه کمک و تسهیلات برای جنبش بانوان در اختیار آنان بطور تریجه به زن و گشودن راه برای شرکت فعال او در امور مین و ساختن آن .
- ۳ - اهتمام بوضع جوانان و اجازه دادن بآنها به تاسیس جمعیتها و اتحادیه ها و تشویق آنها و حفظ شایسته آنان و استفاده از امکانات بسی بایانشان در خدمت خلق و وطن .
- ۴ - خدمت پزشکی و جانی بودن آن برای همگام وطن و برپا کردن بیمارستانها و درمانگاهها در مناطق عمان از جمله روستاها و مناطق درازمانه .
- ۵ - اهتمام به ساختن <sup>خانقاه</sup> بیمارها و روستا و گذاشتن تسهیلات در اختیار هموطنان برای ساختن خانه های مناسب و الغاء همه توائف نژادی که هموطنان را از ساختن در برخی از مناطق عمان منع مینماید و رساندن آب و برق به شهرها و تریجه ها و روستاها .
- ۶ - تشویق نهالینهای اجتماعی و الغاء همه توائف نژادین و رساندن نه استعمارگران و زمین مزدور برای تکوین جمعیتها و وضع کرده اند و

----- چنگل ----- صفحه ۱۰۶

اجازه دادن به هموطنان به همه گونه فعالیت‌های اجتماعی با آزادی کامل .

۷ - بهبود وضع عبور و مرور راه‌های ارتباطی در همه نقاط کشور از آن جمله مناطق <sup>۱</sup> روستایی و کوهستانی و مناطق دور افتاده و صحراها .  
۸ - اهتمام بر وضع چریاتان و ماهیگیران و گذشتن همه گونه خدمات و تسهیلات در اختیار آنان .

هشتم - مبارزه با بیسوادی و فرهنگ ارتعماری و بنای يك فرهنگ ملی و بدین منظور تحقق اهداف زیر ضروریست :

۱ - الغاء همه برنامه های تعلیماتی تسلیم گرانه و ارتعماری که در حال حاضر در رمان دنبال میشود و توسعه فرهنگ ملی که دنبال تاریخ خلق ما و خلق بزرگ عرب است . وضع برنامه ترقی تعلیماتی ای کسسه هدف آن ساختن نسل تحصیل کرده و علاقمند با مور خلق و مبارزاتی و امید های آینده میباشد .

۲ - تحقق تعلیم اجباری و جهانی کردن آن برای همه در تمام مرا <sup>حل</sup> آموزشی .

۳ - ساختن مدارس و هنرستانهای صنعتی و ساختن دانشگاه ، شامل هنرستانهایی که تامین کنند و کارهای فنی در جمعه يك طرح همه جانبه توسعه قدرتهای انسانی و مادی کشور باشد .  
۴ - کوشش برای مبارزه با بیسوادی که هم اکنون اکثریت عظیمی

----- جنگل ----- صفحه ۱۰۷

از خلق عمان را در بر میگیرد و کوشش فعال از طریق یک برنامه طرح ریزی شده برای از بین بردن این بیماری •

۵ - اجازه دادن به دانشجویان برای تشکیل اتحادیه های

دانشجویی برای دفاع از حقوق خویش و برای تکامل نقششان در خدمت به خلق و وطن •

۶ - اهتمام به هنرهای خلقی و حفظ آثار فرهنگی عمان •

نهم - پایه گذاری ارتش ملی نوی که اساس آن احترام و همبستگی بین سربازان و افسران بوده و مجوز به سلاحهای پیشرفته و آموزش خوبی که از فرهنگ ملی و روح ملی عالی اشباع شده با موردنمایش بوده های خلق پیوند داشته باشد •

دهم - گذاشتن امکان در اختیار گروههای خلق برای انجام نقش فعالی در دفاع از میهن بوسیله تاسیس نیروهای مسلح خلق بصورتیکه بتوانند در دفاع از منافع و حق حاکمیت ملی در برابر هرگونه توطئه و یاسا طمعکاری توسعه طلبی بیگانه با ارتش همکاری نماید •

یازدهم - احترام به همه عقاید و مذاهب دینی و عدم تمایز و عمل با مذاهب و طوائف مختلف اسلامی •

دوازدهم - حمایت و تضمین حقوق همه اقلیتها و اقلیتهای خارجی که با استقلال عمان و حاکمیت خلق آن احترام میگذارند •

سیزدهم - کوشش برای بازگرداندن وحدت طبیعی عمان از ظلمت

----- جنگل ----- ۱۰۸

تا بوهی و کوشش دانشی برای تحقق این آرزوی عزیز خلق ما با استفاده از راههای مسالمت آمیز و بدون مداخله و یا ورود خارجی \*

چهارم - قرارداد آن همه امکانات عمان برای شرکت در خطایه از همی بودن منطقه خلیج در برابر ممالک پهلوی شاهنشاهی \* اینست در کارهای ملی و دیپلماتیک در این منطقه و شرکت فعال در تحقق وحدت عمان و خلیج به عنوان یکی از آرزوهای خلق عرب در این منطقه و عنوان قدیمی در راه وحدت عربی و مسیحی \*

پانزدهم - اینست که در کار خلق نسلین و انقلاب مسلحانه اش و بذل همه امکانات برای کمک باین خلق برای بازگشت به وطنش پسرای تا بودی دولت صهیونیستها \*

شانزدهم - استحکام روابط محبتگرای بین خلق عرب عمان و خلقهای عرب و شرکت فعال در جنبش انقلابی عرب برای تحقق هدفهای در جهت آزادی و ترقی اجتماعی و وحدت \*

هفدهم - پیروی از یک سیاست خارجی مستقل و غیر متعبد پسر بنای اصول زیر:

- ۱ - دوری از شرکت در سیاستهای نظامی و اجازه ندادن به هیچ دولتی برای ساختن پایگاه نظامی در خاک عمان و یا استفاده از خاکهای خودی برای تجاوز به خلقهای کشور ای دیگر \*
- ۲ - برسیست شناختن و روابط دیپلماتیک با همه دولت‌های کسیه

استقلال و سادت همان را محتمم نموده در مورد اخای آن در حالت نسبی  
نمایند .

۳ - برقراری ارتباط همه‌جگه‌ای و دست‌یابی با کلیه خلقها و دستهای  
که در دستدار آزادی و عدالت وضع کرده‌اند .

۴ - پذیرفتن کجکهای غیرمعمول از همه کجک‌ها تا آنکه استقلال همان  
را محتمم بشمارند بر مبنای اصل مساوات و سود متقابل .

۵ - ایستادگی راسخ در کار جنبشهای رفائی پیش‌پسلی در قاره‌ها  
آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و همه نیروهای مبارزی که برای تحقق عدالت  
و ترقی اجتماعی خلقهای جهان بکوشند .

### هموطنان

خانی قهرمان همان در دشوارترین شرایط به نبرد عادلانه  
خود بوجه استعمارگران انگلیسی و ژیمهای وابسته و فاشیست  
قاپوس و بجلوی ادامه میدهد .

ما از تمامی هموطنان بویژه بزرگانانی که مقم خارج کشور  
هستند میخواهیم تا کجکهای داریونی و انسانوی خود را تنهایی  
آنجا که سکن است در اختیار آنه‌ها بپوشانند و ظفار قرار دهند .  
تمامی میتوانند با درس زیر مکاتبه کنند .

ص - ب - ۵۰۲۷

محل - عدن

جمهوری دموکراتیک خلق یمن

فصل از مطالعه نشریه غلظهای زهر را تصحیح کنید :

صفحه	سطر	غلظ	درست
۵	۱۲	نادری	معدودی
۶	۳	بهای	بهای
۷	۱۵	خصوصا	از جمله
۱۷	۳	بچه	بآنها
۲۷	۲۱	شماره ۲۰ خود	زهر
۲۸	۱	شماره ۲۰	در باره :
۳۱	۳	شفجر کرده اند	جاده دین شفجر کرد ماند
۳۱	۱۲	در این مسیر	برای کنترل مسیر
۳۲	۱۸	بر اثر اشتباه ۰۰۰ میدند	مأمورین را بایک توار جعلی در جاده ساره تریب میدند
۵۰	۱۰	و بکارت	و سآ بکارت
۵۱	۱۰	نحیکرفت	نحیکرفت و کارگران خواستار لغو این روش بودند
۵۸	آخر	ملبط	ملبط
۶۲	۱۸	و حتی شادده	و حتی جماعتی که بگاه
۶۴	۲	او تبلور توده	او تبلور عشق بوده
۸۳	۱۵	مثلا	در حالیکه
۱۰۱	۱۵	پیروزی	پیروزی
۱۰۲	۱۴	از استمارگران و شر دلان	از شر استمارگران و دلان